

تکامل خدمتها

در کلیسای اولیه



۴

خادمین در کلیسای ما

سطح عالی

تکامل خدمتها

در کلیسای اولیه

توضیح شمایل روی جلد :

این شمایل از نسخه خطی عهد جدید به زبان آرامی اقتباس شده که به همراه متن (اعمال ۱ : ۲۱ - ۲۶) در سال ۵۲۶ نوشته شده است .

WWW.IRANCATHOLIC.COM

این کتابچه قسمت اول
از مجموعه « خادمین در کلیسای ما » می باشد.

« خادمین در کلیسای ما »

- ۱- اسقف، شبان کلیسای ما سطح مقدماتی
- ۲- بعد از رسولان، اسقفان سطح متوسط
- ۳- خادمین در کلیسا سطح متوسط
- ۴- تکامل خدمتها در کلیسای اولیه سطح عالی
- ۵- آیین دستگذاری اسقفان عمومی
- ۶- آیین دستگذاری کشیشان عمومی

می شود که موقعیت کلیسا را تنها در انواع خدمتهایی که امروزه می شناسیم ببینیم.

بدین سان می توانیم مانع محکوم نمودن عجولانه دیگر جوامع مسیحی شویم و نظری دوستانه نسبت به تحقیقاتشان درباره موضوع خدمتهای منطبق با دنیای امروز ما داشته باشیم.

قسمت اول: بر طبق عهد جدید:

خدمتهای متنوع بنابراین مکمل برای جامعه‌ای زنده بنابراین در حال تکامل

شاید فکر می کنید تمامی عهد جدید به یکباره بر کلیسای اولیه الهام شده یا ترتیب تایخ نگارش متون متنوع تشکیل دهنده آن به نحوی که امروزه در کتابهای خود می بینیم باشد. گرچه ممکن است اعلام این مطلب برای کسانی که کمتر با علوم کتاب مقدس آشنا هستند سوالاتی مطرح کند، با این حال در ابتدا تاریخهای احتمالی نگارش نوشته های عهد جدید را ذکر می کنیم.

تاریخ احتمالی نگارش اولین نوشته های مسیحی:

۵۰: اول تسالونیکیان

۵۴-۶۸: نرون امپراتور روم و آغاز شکنجه و جفا در سراسر امپراتوری

خادمین در کلیسای ما

قسمت چهارم

تکامل خدمتها در کلیسای اولیه

مقدمه: ساده نگرهای ما ممکن است خطرناک باشند!

در جوامع اولیه مسیحی تنوع بسیاری در سازماندهی، خدمتها و وظایف وجود داشت، زیرا احتیاجات، موقعیتها و تاریخشان متفاوت بود. تنها در نامه های حضرت پولس رسول بیش از ۲۴ نوع عطایای روح القدس ذکر می شود. سعی کنیم این موضوع را با جزئیات بیشتری مطالعه نماییم زیرا کتابچه های پیشین جهت فهم بهتر خواننده، اطلاعات تاریخی پیچیده و همینطور زندگی را کاملاً ساده نموده اند.

ابتدا متونی از عهد جدید را با در نظر گرفتن ترتیب تاریخی نگارششان مطالعه خواهیم نمود، سپس دعای کلیسای اولیه و تعلیمی را که پدران کلیسا درباره خدمت اسقفی می دهند خواهیم خواند.

مطالعه این کتابچه مانع از این خواهد شد که فکر کنیم عیسی کلیسا را با تمامی جزئیاتش آن طوری که ما امروزه می شناسیم به وجود آورد، بدون آنکه روح القدس بتواند تکاملی در آن ایجاد کند یا مانع این تفکر

اگر فرضیه متخصصین را که در بالا ذکر شده قبول کنیم آنگاه می‌توانیم شروع به تعمق نموده و تکاملی را که در کلیسا بعد از پنطیکاست و تحت هدایت روح القدس انجام شده - همانطور که عیسی وعده داده بود- باز شناسیم: «... چون روح راستی آید شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد» (یوحنا ۱۶:۱۳).

بعلاوه از طریق کتاب اعمال رسولان می‌دانیم که چگونه همین روح القدس کلیسا را در طی زندگی روزمره، تجربه و آزمایش به رشد و سازماندهی با باروری متحیر کننده‌ای سوق داده است. بدون ترس از سؤالاتی که ممکن است مطرح شوند تحقیق خود را آغاز کنیم.

در عهد جدید اصطلاحاتی را در رابطه با خدماتها می‌یابیم که به اندازه کافی نامشخص و متغیر می‌باشند. این موضوع به ویژه درباره واژگان «خدمت= diaconia» و «خادم= diaconos» صادق است، چرا که می‌توان آنها را برای هر نوع خدمتی به کار برد یا وظایف مشخص و متنوعی را با آنها تعیین نمود مانند: فعالیتهای انسان دوستانه همبستگی، مسئولیتهای اجرایی یا حتی وظایف خاصی در آیین مقدس.

علاوه براین، ممکن است که یک خدمت در جوامع مختلف مسیحی با کلمات متفاوتی توصیف شود. در جامعه مسیحیان یهودی تبار، معمولاً صدارت این جوامع با کشیشان (بیران) است: پدران خانواده که مورد احترام و متنفذ هستند شورای جامعه را تشکیل می‌دهند. در جامعه مسیحیان یونانی تبار، این وظیفه بعدها مشخص شد و به ناظران یا «اسقفان» (episcopos) تخصیص یافت (فیلیپیان ۱:۱؛ اول

۶۰	فلیمون
	رومیان، فیلیپیان
	غلاطیان: اول و دوم قرن‌تیان
۶۴ سپس ۶۸؟	شهادت پطرس در رم و سپس شهادت پولس
۶۷-۷۰	شورش غیوران: مداخله همه جانبه ارتش روم
	تصرف اورشلیم و تخریب معبد که پایان قربانیهای خونی و وظایف کاهنان یهودی را به دنبال داشت.
۷۰	انجیل مرقس؛ نامه اول پطرس
۸۰	انجیل متی؛ نامه یعقوب
	دوم تسالونیکیان
	کولسیان؛ افسسیان
۹۰	انجیل یوحنا؛ عبرانیان
	انجیل لوقا؛ اعمال رسولان
۱۰۰	مکاشفه؛ نامه‌های اول و دوم و سوم یوحنا (دیداکه)
۱۱۰	(نامه‌های ایگناتیوس انطاکیه)
۱۲۰	تیتس و اول و دوم تیموتاوس
۱۳۰	نامه یهودا، نامه دوم پطرس
۱۳۱-۱۳۵:	دومین شورش یهودیان علیه اشغال رومیان
۱۳۴	تصرف اورشلیم و تبدیل آن به مستعمره‌ای که ورود یهودیان بدانجا ممنوع بود.

محفوظ داشت. در واقع عیسی آنان را انتخاب نمود تا تمامی قوم جدید خدا را گردآوری نموده آن را سازمان دهند همان گونه که فرزندان یعقوب قوم قدیم خدا را گردآوری نموده و آن را در دوازده قبیله تشکیل دادند (پیدایش باب ۴۹)^۱. همین طور تا قبل از سال ۱۰۰ میلادی نبیستی از شماسان و اسقفان به معنای بسیار دقیقی که امروزه این واژه ها به خود گرفته اند صحبت نمود.

۱- حضرت یوحنا هرگز گروه دوازده را «رسولان» نمی نامد. متی و مرقس تنها یک بار (متی ۲:۱۰، مرقس ۶:۳۰) کلمه رسولان را بکار می برند. ولی لوقا برخلاف آنان، واژه «رسولان» را ۶ بار در انجیل خود و ۳۲ بار در اعمال رسولان به کار می برد. آیا ممکن است لوقا اصطلاحی را که بعد از پنطیکاست در جوامع مسیحی رایج شد به خود عیسی نسبت داده باشد در حالی که حضرت پولس نه تنها واژه «رسولان» را برای «گروه دوازده» بلکه برای خودش که مثل «طفل سقط شده» بود اما با فیض خدا رسول امتها گردید، به کار می برد (رومیان ۱:۱؛ اول قرن‌تینان ۸:۱۵-۱۰). حضرت پولس کسانی را که ادعای رسول بودن می کنند اما عیسی آنها را نخوانده است متهم به دروغگویی می کند: «چنین اشخاصی رسولان کذب و عملاً مکار هستند که خویشتن را به رسولان مسیح مشابه می سازند» (دوم قرن‌تینان ۱۱:۱۳) و ما از این متون می فهمیم که بعضی ها می خواستند میان مسئولین تفرقه بیندازند یا با صحبت از «بزرگترین رسولان» اقتدار و اختیار وی را کم کنند، لقبی که حضرت پولس گاهی آن را مسخره می کند (دوم قرن‌تینان ۵:۱۱، ۱۱:۱۲). بالاخره لقب رسول در رساله به عبرانیان به خود عیسی داده می شود: «... رسول و رئیس کهنه اعتراف ما یعنی عیسی...» (عبرانیان ۳:۱).

تیموتاوس ۳:۱-۲؛ اعمال ۲۰:۲۸). در جوامعی که پولس تأسیس نمود و خود مسئول مستقیم آنها بود، وظیفه تعلیم دادن را معلمان (didascals)، انجیل نگاران، شبانان و حتی انبیا انجام می دادند. بعداً در رساله به تیموتاوس و تیتوس که بدون شک توسط یکی از جانشینان حضرت پولس بعد از شهادت وی نوشته شده اند، وظیفه تعلیم دادن مختص کشیشان و اسقفان می گردد. (رجوع کنید به یاداشتهایی برای مطالعه ص ۶)

رسولان

مهمترین وظیفه متعلق به رسولان است (اول قرن‌تینان ۱۲:۲۸) زیرا واژه رسول به معنای «فرستاده شده»، میسر سیار (مسافر) و مؤسس کلیساهاست. پولس رسول بارها این واژه را بکار می برد. حضرت لوقا اولین بار این واژه را حدود سالهای ۸۰ میلادی به یک معنای دقیق، برای مشخص نمودن اولین مؤسسين کلیسا یعنی گروه دوازده شاگرد که عیسی آنها را برگزید و فرستاد بکار برد. لوقا همین طور در کتاب اعمال رسولان از مسئولین دیگری که مختص کلیساهای یونانی تبار است صحبت می کند یعنی گروه هفت شاگرد که غالباً با شماسان اشتباه گرفته می شوند. آنان همانند گروه دوازده، مبشرین و موعظه کنندگان می باشند همان طور که در متون مربوط به استیفان و فیلیپس (اعمال رسولان بابهای ۶ الی ۸) می بینیم. جهت اجتناب از خطای تاریخی، بایستی از بکار بردن نام رسولان در طی زندگی عیسی خودداری نمود و نام زیبایی را که اناجیل به این شاگردان مقدم می دهند یعنی نام «دوازده» را

شده اند: انطاکیه، ایقونیه و لستره؟ در هر حال کتاب اعمال رسولان صریحاً ذکر می کند که حضرت پولس کشیشان و پیرانی در این سه شهر مقرر نموده بود (اعمال ۱۴: ۲۱-۲۳).

اشتغالات فکری اساسی

با خواندن نامه اول به تیموتاوس از تکرار اصطلاحات خاصی تعجب خواهید نمود: «تعلیم صحیح» که در تضاد با افسانه ها و سخنان پوچ یا سخنان مشرکان است؛ «عبادت»؛ «اعمال نیکو و زیبا». به اشتغال خاطر دوگانه مؤلف دقت کنید: راست دینی و سازماندهی. هم و غم وی این است که تعلیم دهد، انحرافات تعلیمی و اخلاقی را تصحیح کند و به ویژه با برپا نمودن مسئولینی ارزنده جوامع مسیحی را سازماندهی کند. دیگر وقت تأسیس کردن نیست بلکه زمان سازماندهی لازم جهت تداوم این جوامع در طول زمان برای انتقال وفاداران «امانت ایمان» به نسلهای آینده است.

سه خدمت مهم و اساسی

از نزدیک متونی را که درباره خدمتها صحبت می کنند ملاحظه کنیم:

اسقف	اول تیموتاوس ۳: ۱-۷؛ تیطس ۱: ۷-۹
کشیشان:	اول تیموتاوس ۵: ۱۷-۲۵؛ تیطس ۱: ۵-۶
شماسان	اول تیموتاوس ۳: ۸-۱۳

یادداشتهایی برای مطالعه

اسقف، کشیشان و شماسان

در رسالات شبانی (اول و دوم تیموتاوس و تیطس)

امروزه اکثر دانشمندان کتاب مقدس بر این باورند که سه رساله به تیموتاوس و تیطس که به «رسالات شبانی» معروفند به دوره بعد از رسولان، بنا بر این حتی به دوره بعد از پولس رسول متعلق می باشند. به همین دلیل است که تاریخ نگارش آنها را معمولاً اواخر قرن اول یا اوایل قرن دوم می پندارند. دلایل زیادی وجود دارند که مانع انتساب نگارش این رسالات به پولس رسول می شوند، از میان آنها می توان به ویژه به کاربرد کلمات خاص و همینطور اشتغال فکری مؤلف و موضوعات الهیاتی اشاره نمود که در رسالات پیش از آنها وجود ندارد. با این حال این رسالات هم متعلق به سنت حضرت پولس به رسمیت شناخته شده اند و به همان اندازه نیز اثر لوقای قدیس بشمار می روند.

در اینجا پیشنهاد می شود که بخصوص اولین رساله به تیموتاوس را مطالعه کنیم تا به اطلاعاتی درباره کلیساهایی که این سه نامه توسط یکی از جانشینان پولس رسول خطاب به آنها نوشته شده دست بیابیم. شاید خطاب به کلیساهایی باشند که در دوم تیموتاوس ۳: ۱۱ ذکر

جایگاه کشیشان کجاست؟

در یکی از کتابچه های پیشین تأکید نمودیم که خادمین مسیحی هرگز «کاهن» نامیده نشده اند. یادآوری نماییم که این واژه جدا از کاربرد آن برای کاهنان یهودی، در رساله به عبرانیان (۱۷ بار) به مسیح و زمانی که در نامه اول حضرت پطرس (۲: ۵-۹) و مکاشفه (۱: ۶، ۵: ۱۰، ۲۰: ۶) این آیه از سفر خروج «شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس خواهید بود» (۱۹: ۶) ذکر می شود که مربوط به قوم عهد عتیق گرد آمده در پای کوه سینا می باشد، اشاره به قوم مسیحی دارد. تنها در اوایل قرن دوم و چند سال بعد از درگذشت آخرین رسول است که واژگان مربوط به خدمتها در کلیسا با الهام از کهنات یهودی در عهد عتیق تکامل می یابد. این تقدیس گرایی منجر به سلسله مراتبی کاملاً مشخص با سه مقام می گردد: اسقفان، کشیشان و شماسان. همان طور که در ادامه این مطلب در نامه های حضرت ایگناتیوس انطاکیه و در کتاب سنت رسولی مشاهده خواهید نمود آنان شروع به استفاده از واژه *Hiereus* به معنای کاهن برای مسئولین جامعه می کنند. این تکامل به سوی درک کهناتی از خدمت این خطر را دربر دارد که کشیش را بیشتر در رابطه با وظیفه ای که مربوط به آیین عبادت دارد بنگریم تا در رابطه با وظیفه خدمت در سرپرستی جوامع مسیحی.

خدمتهای گوناگون بنابراین مکمل

از نامه های پولس رسول به خوبی درمی یابیم که عطایای روح القدس

داوطلبین این خدمتها: باید دارای چه صفاتی باشند؟ کدام یک از آنها مهم تر است؟ چه کسی باید آن را تشخیص دهد؟ آیا وظایف خاصی برای هر یک از این سه خدمت وجود دارد؟ آیا این سه خدمت به صورت سلسله مراتب می باشند؟ آیا تفاوتهایی میان وظایف اسقف و کشیش می بینید؟ توجه داشته باشید که از اسقف همیشه به صورت فرد سخن گفته می شود در حالی که دو گروه بعدی به صورت جمع ذکر می شوند: آیا اسقف رهبر و رئیس گروه کشیشان نمی باشد؟

همچنین به گذاشتن دستها (اول تیموتاوس ۴: ۱۴، ۵: ۲۲؛ دوم تیموتاوس ۱: ۶) و جانشینی رسولی (دوم تیموتاوس ۲: ۲) اشاره کنیم.

درباره تفویض اختیارات و تقدیس این خادمین چه می دانیم؟ آیا موضوع دستگذاری و جزو این سه گروه خادمین شدن است یا انتقال قدرت؟ آنان چگونه این اقتدار را اجرا می کنند؟

در پایان سعی کنیم تجزیه و تحلیل مختصری بکنیم. چه برداشت ضمنی می توان درباره کلیسا از این رسالات شبانی استنباط نمود؟ نقاط قوت و ضعف آن چیست؟ چه ارتباطی با تجربه خود حضرت پولس رسول دارد؟

آیا اشتغال خاطر اصلی مؤلف این سه رساله به نظر شما برای جوامعی که می شناسید اهمیت خاصی دارند؟

فیض تعمید مسیحیان است. کلیسا برای بیان راز خود هم به راهبان و هم به متاهلان نیاز دارد. ازدواج نشانه‌ای از شادی ما به خاطر حضور یکتا داماد نوین، مسیح زنده در میان ما و راهب شدن بیانگر اشتیاق و انتظار ما برای آمدن پر جلال مسیح و کامل شدن کلیسا در عهد و اتحاد و عروسی با اوست.

۲- کشیشان راهب و کشیشان متاهل

کلیساها حتی الامکان ترجیح می‌دهند که خادمین خود را از میان راهبان انتخاب کنند اما از آنجا که هر جامعه مسیحی این حق را دارد که از راز قربانی مقدس برخوردار گردد نمی‌توان آن را به فیض مجرد کشیشان در آن جامعه مشروط کرد.

از اناجیل پی می‌بریم که پطرس زن داشته (مقرس ۱: ۱۳) و به احتمال قوی بقیه رسولان شاید به استثنای یوحنا همگی ازدواج کرده بودند و بر طبق آنچه حضرت پولس می‌گوید برخی از آنان در مسافرتها خانواده‌هایشان را با خود می‌بردند: «آیا اختیار نداریم که خواهر دینی (زن مسیحی) به زنی گرفته همراه خود ببریم مثل سایر رسولان و برادران خداوند و کیفای؟» (اول قرنتیان ۹: ۵).

بنابراین کلیساها از ابتدا خادمین خود را از میان مردان متاهل نیکوکار و پدران خانواده که دارای تجربه باشند نیز انتخاب می‌کردند (اول تیموتاوس ۳: ۲-۵).

می‌بینیم که این نحوه انتخاب کشیشان و شماسان تا امروز در

متعدد هستند (اول قرنتیان ۱۲: ۴-۱۴) و احتیاجات روحانی مردم نیز گوناگون می‌باشند بنابراین خدماتهای کلیسا نیز باید متنوع باشد. به دو مثال در این باره توجه کنیم:

۱- راهب یا متاهل

عطیه روح القدس و برکت خداوند باعث می‌شود که بعضی از تعمید یافتگان در راهب (یا راهبه) شدن و مجرد ماندن (اول قرنتیان ۷: ۷: ر. ک متی ۹: ۱۰-۱۲) و برخی دیگر در محبت و وفاداری ازدواج (افسیسیان ۵: ۲۴-۳۲) زنگی کنند.

پولس که نعمت خاص پارسایی و مجرد را دریافت نموده بود آرزو داشت که دیگران نیز مانند او زندگی کنند (اول قرنتیان ۷: ۷) تا بتوانند کاملاً و با آزادی تمام به خدمت خداوند بپردازند (اول قرنتیان ۷: ۳۲) و از آنجا که مسئولیت خاصی در مورد همسر و بچه ندارند بهتر می‌توانند در خدمت فقرا باشند و نیز به خاطر رنج و جفایی که در این دنیا برای شاهدان مسیح وجود دارد بهتر این است که مجرد بمانند (اول قرنتیان ۷: ۲۶). همین‌طور در قیصریه، دختران فیلیپس مبشر باکره بوده و با نبوت نمودن در کلیسا خدمت می‌نمودند (اعمال ۹: ۲۱). اهمیت بسزای مجرد در راه مسیح در ارتباط با راز کلیسا، عروس مسیح است. توسط این دعوت یادآوری می‌شود که همگی به ملکوت خدا دعوت شده ایم و تنها هدف اساسی محبت ما، مسیح یگانه داماد کلیساست. راهب شدن و همچنین ازدواج کردن دو راه مکمل برای برپا داشتن

قرن‌تین ۱۲: ۲۱-۲۳). همه ما باید بدانیم که بزرگترین و مهمترین عطایای روح القدس محبت است: (اول قرن‌تین ۱۳: ۱۳-۱۴: ۱). هیچوقت باور نکنیم که یک نفر بتواند تمامی عطایای روح القدس را داشته باشد: «خدا قرار داد بعضی را در کلیسا؛ اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعد قوات، سپس نعمتهای شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبانها. آیا همه رسول هستند یا همه انبیا یا همه معلمان یا همه قوات یا همه نعمتهای شفا دارند یا همه به زبانها متکلم هستند یا همه ترجمه می‌کنند؟» (اول قرن‌تین ۱۲: ۲۸-۳۰)

علاوه بر سه مقام و مرتبت رسمی و دستگذاری شده که می‌شناسیم حضرت پولس درباره همکاران بیشمار مرد و همچنین زن صحبت می‌کند، به مانند گروهی که به دور عیسی بود و گرچه موقتی اما در رسالت وی شرکت می‌جست از جمله ۷۲ شاگردی که عیسی پیش روی خود فرستاد (لوقا ۱۰: ۱-۱۲). در نظر داشته باشید که در این گروه شاگردان وفادار، زنان نقش اول را ایفا می‌کردند چرا که بدون آنان گروه دوازده نمی‌توانست به زندگی با عیسی ادامه دهد (لوقا ۸: ۱-۳). علاوه بر این زنان بودند که مأموریت یافتند به پطرس اعلام کنند که عیسی زنده است و رستاخیز نموده (یوحنا ۲۰: ۱۷؛ لوقا ۲۳: ۵۵، ۲۴: ۹-۱۱) زیرا این زنان وفادارانه در پی عیسی رفته بودند. حضرت پولس فهرست متحیر کننده‌ای از تعداد همکارانش در نامه به رومیان (۱۶: ۱-۳) به ما ارائه می‌دهد. زنان زیادی را می‌بینیم که بعضی‌ها

کلیساهای رسولی ادامه دارد. اما همانطور که می‌دانیم از قرن یازدهم به بعد در کلیسای لاتین مقرر شد که کشیشان را مثل اسقفان^۲ فقط از میان راهبان انتخاب نمایند. با این وصف اگر در آینده مسئولان کلیسای لاتین تصمیم بگیرند که از میان افراد متاهل، دوباره کشیشانی انتخاب کنند نباید متعجب شد که گویا تغییری اساسی بوجود آمده است.

پس نباید ناخودآگاه از ارزش کشیشان متاهل بکاهیم بلکه بایستی به تنوع عطایا که مکمل یکدیگر بوده و به آن غنا می‌بخشد توجه کافی مبذول داریم و بدانیم که کشیش شدن خدمتی در ارتباط با احتیاجات کلیساست و راهب شدن راهی است به سوی تکامل فیض تعمید.

بنابراین در نتیجه مطالب فوق باید درباره عطایای مختلف روح القدس بیشتر بیندیشیم و آنها را در خودمان و در دیگران تشخیص دهیم تا هر کس جایگاه و مسئولیت خود را در کلیسا پیدا کرده و همکاری کنیم و به این موضوع توجه نماییم که طبق گفتار پولس رسول کوچکترین اعضای کلیسا و ناچیزترین عطایای روح القدس در واقع از همه مهمتر می‌باشد: «چشم دست را نمی‌تواند گفت که محتاج تو نیستم یا سر پایها را نیز که احتیاج به شما ندارم بلکه علاوه بر این آن اعضای بدن که ضعیفتر می‌نمایند لازمتر می‌باشند و آنها را که پست تر اجزای بدن می‌پنداریم عزیزتر می‌داریم و اجزای قبیح ما جمال افضل دارد» (اول ۲- رجوع کنید به جلد اول از مجموعه خادمین در کلیسای ما: «اسقف شبان کلیسای ما» صفحه ۵-۱۲ از انتشارات کانون وحنای رسول

بخشیدن تربیت و تعلیم کسانی که می‌خواهند مسئولیتی را در کلیسا به عهده بگیرند و سازماندهی جامعه‌ای که به تدریج خدمت‌هایی بر اساس پایه‌هایی که مسیح به رسولانش داد در آن رشد یافتند. این خلاق بودن کلیساهای اولیه ما را بر آن می‌دارد که در ضمن وفادار ماندن به سنت زنده و به اساس تعلیم مسیح به رسولان، همچنین به احتیاجات جدید جامعه و دعوت کسانی که امروز هنوز عیسی را نشناخته‌اند دقت و توجه کنیم.

مجرد هستند مانند فیبی که خادمهٔ کلیساست (رومیان ۱۶: ۱-۳) یا مانند پرسکلا که ازدواج کرده ولی اسمش قبل از اسم شوهرش آکیلا آمده (رومیان ۱۶: ۳؛ ر. ک اعمال ۱۸: ۱-۳، ۲۶). مسئولیت‌های این زنان چه بود؟ ممکن است مسئولیتشان پذیرایی در جامعه یا مانند پرسکلا تعلیم گروندگان جدید بوده باشد. وانگهی پولس تأیید می‌کند که زنان می‌توانند در اجتماعات دخالت داشته و دعا و نبوت نمایند (اول قرنتیان ۱۱: ۵). پس چرا در ادامه همان مطلب می‌نویسد: «زنان شما در کلیساها خاموش باشند» (اول قرنتیان ۱۴: ۳۴-۳۵)؟ می‌دانیم که جامعه قرن‌تس در نشان دادن احساسات بسیار افراطی بوده و رسول می‌خواهد در این جامعه خودجوش و لبریز کمی نظم برقرار کند.

تاریخی که ادامه دارد

نیاید دوران اولیهٔ کلیسا را به صورت دورانی ایده‌آل تصور نمود همان‌گونه که حضرت لوقا در اعمال رسولان سعی در انجام آن دارد. میان مسیحیان یهودی تبار و مسیحیان غیریهودی تنش‌های مذهبی و فرهنگی وجود داشت و مسائلی بودند که نمی‌شد آنها را سریعاً حل و فصل نمود. پرواضح است که عیسی کلیسایی کامل با تمامی قوانینی که امروزه می‌شناسیم به پطرس نسپرد. کلیسا از روز اول تأسیسش کامل است و این به خاطر عطیهٔ روح القدس و راز تعمیدی است که ما را در فیض رستاخیز شرکت می‌دهد. ولی کلیسا فرستاده شده و احتیاجات آن به تدریج رشد نموده و تحت حرکت هدایت‌گر روح القدس تکامل یافته است، احتیاج در جهت اعلام انجیل، تربیت گروندگان جدید، تعمق

و با تأسیس کلیسایی جدید نخستین «ضد پاپ» گردید. حتی بعد از مرگ پاپ کالیستوس و در دوران اوربانوس و پونتیانوس نیز این انشقاق ادامه یافت. بعدها ماکسیموس امپراتور روم، هیپولیتوس و پونتیانوس را به اردوگاههای کار اجباری در جزیره ساردنی تبعید کرد و هر دو در آنجا در اتحاد شهید شدند و به همین خاطر کلیسای کاتولیک وی را جزو قدیسن می‌شمارد.

آیین نیایش دستگذاری اسقفان

آن کس به مرتبت اسقفی رسد که از سوی تمامی جماعت برگزیده شده باشد. وی باید غیرقابل ملامت باشد. وقتی بدان سمت نامیده و مورد قبول همگان شد، تمامی جماعت به همراه مجمع کشیشان و اسقفان حاضر در روز خداوند [یکشنبه] گرد هم آیند. اسقفان حاضر باید با رضایت همگان دست بر سر برگزیده نهند. کشیشان کلیسا در سکوت حضور داشته باشند. همگان خاموش و در قلب خود نیایش کنند تا روح القدس فرود آید.

یکی از اسقفان حاضر، به تقاضای همگان، دست بر سر کسی نهد که به مرتبت اسقفی نائل می‌آید و بدین مضمون نیایش کند:

خدا و پدر سرور ما عیسی مسیح،

پدر رحمتها و تسلیات،

تو که بر اوج فلک ساکنی

قسمت دوم: در زندگی کلیسا

خدمتهای وفادار به روح القدس

بارها به متونی که در دوران اولیه کلیسا نوشته شده اند اشاره نمودیم. اینک زمان آن رسیده که خود خواننده از قرائت این متون لذت برده و در آنها تعمق کند. آنها را به ترتیب تاریخی ارائه دادیم، ابتدا متون آیینهای اولیه درباره خدمت اسقفی، سپس متون اصلی پدران اولیه کلیسا در رابطه با همین موضوع اسقف. در اول هر متن مقدمه ای مختصر درباره موقعیت فرهنگی و مذهبی که این متن در آن نوشته شده خواهیم آورد. امیدواریم که خواننده گرامی با تعمق بر این متون به یکی از منابعی که ما در طی صفحات این کتابچه شرح دادیم دست یابد. در پایان، ترجمه تعلیم آخرین شورای اسقفان را با علاقه خواهیم خواند.

هیپولیتوس روم

خطیبی توانا و کشیش ساده کلیسای روم بود. در علوم و نویسندگی تبحر خاصی داشت و با فلسفه یونان و ادیان شرقی آشنایی عمیقی داشت. هنگام صدارت زفیرنیوس در مقام پاپ کلیسای کاتولیک (۲۱۷-۱۹۸)، هیپولیتوس وی را به عدم صراحت و جدیت متهم نمود و با وی به مقابله برخاست و این وضع در زمان کالیستوس نیز ادامه داشت

و عطایای کلیسای مقدس را به تو تقدیم دارد.

به فضیلت روح کهنانت اعلا

باشد که توانایی بخشیدن گناهان را بر حسب فرمان تو دارا باشد.

باشد که وظایف را بر حسب دستور تو تقسیم کند

و به فضیلت قدرتی که به رسولان داده ای

هر بندی را از گره اش بگشاید.

نرمخویی و پاکی قلب وی

تو را خوش آید.

از طریق فرزند تو عیسی مسیح سرور ما،

عطر خوشبویی تو را هدیه دارند

از راه او جلال و قوت و حشمت از آن تو،

پدر و پسر و روح القدس باد.

در کلیسای مقدس تو

اکنون و تا ابدالآباد! آمین

آموزش رسولان

آموزش رسولان *Didascalía of Apostles* یکی از نوشته های بنیادین کلیساست که به

نیمه اول قرن سوم میلادی برمی گردد. مؤلف آن اسقفی از ناحیه سوریه شمالی است و برای

کسانی نوشته شده که از مشرکین به مسیحیت گرویده اند.

و نگاهت را به سوی آن که فروتن است می گردانی،

به هر چیزی پیش از آن که بوجود آید عارف هستی؛

تو که با کلام فیض خویش، حدود کلیسای خود را تعیین نموده ای؛

از آغاز و ازل

تبار عادلان ابراهیم را مقدور داشتی؛

رهبران و کاهنان را برقرار نمودی؛

و عبادتگاه خود را بدون آیین نیایش نگذاشته ای

و رضایت تو از همان بنیان جهان این بوده است

که نامت توسط کسانی که خود برگزیده ای تجلیل گردد؛

اکنون قدرتی را که از تو صادر می شود افاضه فرما،

روح القدس والا را که تو

به فرزند بس گرانبمایه ات، عیسی مسیح بداده ای

و او روح را به رسولان منتقل کرد

تا کلیسا را که عبادتگاه توست

بهر جلال و ستایش بی پایان نام تو بنا کردند.

ای پدر که از قلبها آگاهی

به بنده خود که به اسقفی برگزیده ای

عطا فرما تا گله مقدس تو را بچرانند

و کهنانت والای تو را بدون عیب و نقص

با خدمت شبانه روزی به تو انجام دهد.

باشد که همواره چهره تو را موافقتر دارد

نگردند، توبه کنند، زاری کنند و بر گناهان خود بگریند و با تمام قلب خود به سوی خداوند باز آیند.

پس ای اسقف آموزش ده، ملامت نما، با بخشایش گناهان آنان را (از بند گناه) برهان. بدان که تو به جای خدای قادر مطلق نشسته ای و توان آن یافته ای که گناهان را ببخشی. زیرا ای اسقفان این کلام خطاب به شما بود که گفته شد:

آنچه در زمین ببندید
در آسمان بسته شده باشد
و آنچه بر زمین گشاید

در آسمان گشوده شده باشد (متی ۱۸: ۱۸).

وقتی گناهکاری احساس پشیمانی و توبه کرد و بگریست، وی را بپذیر. و در حالی که همه از بهر وی نیایش می کنند، دست خود را بر سر وی بگذار و اجازت ده که باز همچنان در جماعت مسیحیان باقی ماند. بسان شبانی باش دلسوز، پراز مهر و محبت و بخشایش، سراپا حمیت و غیرت از بهر رمه خود که بیداری می کشد و رمه خود را می شمارد و به جستجوی بره گمشده می پردازد همان طور که خداوند، عیسی مسیح، استاد نیکو و منجی ما امر فرموده است: «نود و نه را در کوهسار باقی نه و به جستجوی آن یک که گمشده است برخیز. وقتی وی را یافتی، بردوش گیر و شادمانی کن زیرا آن را که گمشده بود باز یافتی. و ی را به همراه خود آور و به درون رمه رهایش کن» (متی ۱۸: ۱۲-۱۴). پس تو نیز ای اسقف فرمانبردار باش و آن را که تباه شده است

بخشایش گناهکاران

پس ای اسقف، چون خدای قادر مطلق با اقتدار داوری نما، آنانی را که توبه می کنند، با مهر و محبت چون خدای قادر متعال پذیرا باش. آنان را سرزنش نما، تشویق و تحریض نما، آموزش ده، زیرا خداوند خدا، وعده بخشایش تمام کسانی را که گناه ورزیده اند سوگند خورده است، همانطور که در کتاب حزقیال نبی آمده است (۳۳: ۱۰-۱۱).

پس تو ای پسر انسان، به خاندان بنی اسرائیل بگو:

شما بدین مضمون می گوید:

چونکه عصیان و گناهان ما برگردن ماست

و به سبب آنها کاهیده شده ایم

پس چگونه زنده خواهیم ماند

به ایشان بگو: خداوند یهوه می فرماید

به حیات خودم قسم

که من از مردن مرد شریر خوش نیستم

بلکه (خوش هستم) که شریر از طریق خود

بازگشت نموده زنده ماند

ای خاندان اسرائیل بازگشت نمایید

از طریقهای بد خویش بازگشت نمایید

زیرا چرا بمیرید.

پس در اینجا (خدا) به گناهکاران این امید را می بخشد که هرگاه توبه کنند بر همان توبه خویش نجات خواهند یافت. پس ناامید

مرا‌نامه‌های رسولی

«مرا‌نامه‌های رسولی» *Apostolic Constitutions* بزرگترین و مفصل‌ترین جمع‌بندی متون مربوط به آیین نیایشی و مقررات کلیسای اولیه می‌باشد. این کتاب به غلط به کلمنت پاپ روم نسبت داده شده و مؤلف مدعی است که کلمنت این فرمانها را از رسولان گرفته است. این اثر مقارن سال ۳۸۰ در سوریه یا قسطنطنیه تألیف شده است.

نیایش و مناجات از بهر ایمانداران

خادم می‌گوید: هیچ کس اگر حق آن را ندارد نزدیک نیاید! ما همه ایمانداران زانوزنیم. خدا را از ره مسیحش نیایش کنیم و همه با هم و با همت، خدا را از ره مسیحش التماس کنیم.

نیایش کنیم از بهر صلح و آرامش جهان و کلیساهای مقدس، باشد که خدای هستی، ما را صلحی دائم و پایدار عطا فرماید، ما را ثابت قدم گرداند و در فراخنای تقوی از راه عبادت نگاه دارد.

نیایش کنیم از بهر کلیسای مقدس جامع و رسولی که در سراسر جهان گسترده است. باشد که خداوند آن را ازهر آشفستگی و تلاطم امواج مصون دارد. باشد که (از این کلیسا) که بر صخره‌ای پایه گذاری شده تا پایان زمان محافظت کند.

نیایش کنیم از بهر این حوزه مقدس کلیسایی، باشد که خداوند عالم ما را سزاوار آن داند تا امید آسمانی وی را به طور استوار به دست آریم و دین دائم نیایش را به او بپردازیم.

جستجو کن و در صدد یافتن آن باش و آن را که به بیراهه رفته باز آر. درواقع تو قدرت داری آن را که در گناه افتاده است ببخشی زیرا که شخص مسیح را بر تن داری.

همچنین خداوند ما به آن کس که گناه ورزیده بود گفت:

گناهان تو آمرزیده شد

ایمانت تو را نجات داده است.

به سلامتی روانه شو! (لوقا: ۷:۴۸، ۵۰)

صلح نشانگر کلیسا به عنوان مأمن آسایش و آرامش است.

آنهايي را که تو از گناهان رها کرده‌ای سرشار از سلامت، براثت، امید و پشتکار از بهر کارهای سخت و دشوار باز می‌گردانی. بسان طبیبی خردمند و دلسوز همه را شفا ده، بخصوص آنهايي را که در گناهان نشان سرگردانند. زیرا «نه تندرستان بلکه مریضان احتیاج به طبیب دارند» (متی: ۹:۱۲).

تو نیز، ای اسقف، در کلیسا به مثابه طبیب هستی. پس با یاری کلیسا در شفای آنان که در گناه خود بیمارند درنگ موزر. به هر طریق مراقبت کن و شفا ده و آنان را در کلیسا به سلامت رسان. بدین ترتیب این سخن خداوند که می‌گوید: «بر آنان با جور و ستم حکمرانی می‌نمایید» (حزقیال ۳۴:۴) شامل حال تو نخواهد بود. تو با خشونت رفتار منما، سنگدل و تندخو و بی‌رحم نباش. این مردمان را که به دست تو اند، به سخره مگیر و از ایشان کلام توبه و استغفار را مپوشان.

ما تقدیم می‌دارند، باشد که خدای مهربان پاداش ایشان را با نعمتهای آسمانی خود عطا فرماید و صد برابر در این دنیا و زندگانی جاودانی در دنیای آینده به آنان مرحمت دارد، نعمتهای جاودانی در عوض نعمتهای دنیوی، نعمتهای آسمانی در عوض نعمتهای زمینی.

نیایش کنیم برای برادران خود که به تازگی تعمید دریافت داشته‌اند. باشد که خداوند ایشان را قوی و پایدار سازد.

نیایش کنیم برای برادران ما که از بیماری رنج می‌برند. باشد که خداوند ایشان را از هر ناتوانی و از هر کسالتی برهاند و ایشان را صحیح و سالم به کلیسای مقدس خود بازگرداند.

نیایش کنیم برای آنان که دریاها را درمی‌نوردند و در سفرند، برای آنان که به کار در معادن، به زندان و زنجیر به خاطر نام خداوند محکوم هستند. نیایش کنیم برای آنان که سخت زیر فشار بردگی به رنج اندرند. نیایش کنیم برای دشمنان خود. نیایش کنیم برای آنانی که ما را به خاطر نام مسیح مورد نفرت و تعقیب و آزار قرار می‌دهند. باشد که خداوند خشم ایشان را فرو نشانند و کینه ایشان را از ما بگرداند.

نیایش کنیم برای آنان که در خارج (از کلیسا) هستند و سرگردانند. باشد که خداوند آنها را به راه خود برگرداند.

یادآوریم کودکانی را که در کلیسا هستند. باشد که خداوند ایشان را خداترسی کامل عطا فرماید و آنها را به سن بلوغ رساند.

نیایش کنیم از بهر یکدیگر. باشد که خداوند با فیض خود ما را محفوظ دارد، ما را تا به آخر مصون دارد، ما را از هر بدی و شرارت و

نیایش کنیم از بهر جمیع اسقفانی که در نقاط مختلف جهان «با صراحت کلام حق را می‌گسترانند» (دوم تیموتاوس ۲: ۱۵). همچنین نیایش کنیم از برای اسقف خود، «یعقوب» و حوزه‌های کلیسایی وی. نیایش کنیم از بهر اسقف خویش «کلمنتوس» و حوزه‌های کلیسایی وی. نیایش کنیم از بهر اسقف خود «اوودیوس» و حوزه‌های کلیسایی وی. نیایش کنیم از بهر اسقف خود «آنانیوس» و حوزه‌های کلیسایی وی. باشد که خدای بخشنده مهربان آنها را از بهر کلیساهای مقدسشان در سلامتی و افتخار نگاه دارد، بدیشان عمری دراز و پیری پر افتخاری در پارسایی و عدالت عطا فرماید.

نیایش کنیم برای کشیشان خود. باشد که خداوند ایشان را از هر شرمندگی و خجالت مصون دارد و بدیشان کهناتی کامل و محترم عطا فرماید. نیایش کنیم برای همه شماسان و خدمتگزاران مسیح. خداوند بدیشان عنایت فرماید که بدون خطا وی را خدمت نمایند.

نیایش کنیم برای خوانندگان متون مقدس، گروه همسرایان، زنان باکره، بیوه زنان، یتیمان، برای آنان که در پیوند ازدواج به سر می‌برند و برای کودکانشان. باشد که خداوند بر همه ایشان ترحم فرماید.

نیایش کنیم برای کسانی که پرهیزکاری مقدس را مراعات می‌کنند. نیایش کنیم برای کسانی که زندگانی را در عصمت و تقوی به سر می‌برند.

نیایش کنیم برای آنان که هدایا و نوبر ثمر خود را به خداوند خدای

و تو را با محبت دوست بدارند،
 و چهرهٔ جلال را حرمت گذارند.
 نسبت بدیشان بخشنده و مهربان باش
 نیایش ایشان را اجابت فرما
 ایشان را در ثبات تضعیف ناپذیری نگاهدار
 تا به جسم و روح مقدس باشند
 «بدون لکه یا جین با نظایر آن» (افسیان ۵: ۲۷).
 باشد که در قوت و سلامتی باشند
 و هیچیک از ایشان ناتوان و ناقص نباشد.
 ای مدافع توانا که کسی را بر دیگری رجحان نمی دهی
 به یاری قوم خود که بدین جایند، شتاب کن
 تو ایشان را از میان چه بسیاری برگزیده ای
 تو سرور و یار و یاور هستی
 نگاهبان، در ایمن و باروی محکم هستی
 زیرا «هیچکس نتواند چیزی از دست تو بیرون کشد» (یوحنا ۱۰: ۲۹)
 خدای دیگری چون تو نباشد
 «امید ما بر تو استوار است» (مزمور ۶۲: ۶)
 «ایشان را در حقیقت تقدیس فرما
 زیرا کلام تو حقیقت است» (یوحنا ۱۷: ۱۷)
 تو که فراتر از هر بیدادی

«کمندهای گناهکاران» (مزمور ۱۴۱: ۹) رهایی بخشد و به ملکوت
 آسمانی خویش هدایت کند.
 نیایش کنیم از بهر تمام مسیحیان.
 خدایا ما را از روی ترحم خود نجات ده و برخیزان.
 برخیزیم. از جان و دل برای یکدیگر دعا کنیم و خود را از ره مسیح به
 خدای حی بسپاریم.

نیایش اسقف برای ایمانداران

اسقف سپس نیایش زیرین را می خواند:
 خداوند قادر مطلق
 تو که متعال و ساکن اعلیٰ علین هستی،
 قدوسی که در میان قدیسین ساکن هستی
 که آغاز نداشته و یگانه خداوندی
 که از راه مسیح پیامی به ما داده ای،
 که ما را بر جلال و نام خود معرفت می بخشی
 که بر فراست ما مکشوف نموده است
 از ره وی اکنون دیدگانت را
 بر گله ات که بدین جایند بگردان
 ایشان را از هر جهالت و خطا برهان
 ایشان را موهبتی عطا فرما که در برابر تو بیمناک باشند،

خدمت

«پس اسقفان و شماسانی را که شایسته‌ی خداوند باشند برای خود تعیین نمایید، مردان متینی که طماع و حریص پول نیستند، مردانی درست و مورد تأیید، زیرا آنان خدمت انبیا و معلمین را برای شما انجام می‌دهند. پس ایشان را حقیر بشمارید، آنان دارای مقامی والا، هم‌ردیف انبیا و معلمین هستند.» دیداکه ۱۵

نامه‌های حضرت ایگناتیوس

قدیس ایگناتیوس اسقف انطاکیه در بزرگسالی به مسیحیت گروید و در شهر خود محکوم به مرگ گردید و به روم برده شد و در آن‌جا طعام حیوانات وحشی گردید. تاریخ شهادت وی نامعلوم است. اوزیبوس آن را سال ۱۰۸ و جان مالالاس مقارن ۱۱۵ می‌داند. نامه‌های وی به کلیساهای مختلف دارای موضوعات متعددی هستند از جمله اخطار علیه بدعتها، تشویق به اتحاد و تأکید بر اقتدار و اختیار اسقفان و دیگر روحانیون.

نامه به افسسیان

۳:۱ چون من تمامی گروه شما را به نام خدا در شخص «اونزیم»، این انسانی که محبتش غیرقابل وصف است و بر حسب جسم اسقف شما می‌باشد، به حضور پذیرفتم، آرزو دارم که او را در عیسی مسیح محبت نموده و همه مانند او باشید! سپاس خدای را که یک چنین اسقفی به شما عطا کرده است! بعلاوه شایستگی آن را نیز دارید.

فراتر از هر خطایی

ایشان را از هر ضعف و کسالتی،
از هر خطا و افترا و اشتباهی برهان.
«از ترس دشمن

و از تیری که به روز می‌پرد
و از طاعونی که در تاریکی روان است» (مزمور ۹۱: ۵-۶).

ایشان را بهر زندگی جاودانی
که در مسیح تو و یگانه پسر تو
و خداوند و منجی ماست لایق دان.
از ره وی جلال و ستایش تو راست
در روح القدس
هم اکنون و تا ابدالآباد. آمین.

تعلیم رسولان (دیداکه)

متن دیداکه در سال ۱۸۷۵ در کتابخانه پاتریارک یونانی اورشلیم کشف شد. این اثر مربوط به قرن دوم مسیحی یا حتی پایان سده نخست و بعضی قطعات آن مقارن سالهای ۵۰-۷۰ میلادی است. البته در این مورد هنوز بحثهایی وجود دارد. دیداکه احتمالاً در انطاکیه شام و برای مسیحیانی که از آنها به مسیحیت گرویده بودند نوشته شده است.

به نفع شماست که این اتحاد ناگستنی را حفظ کنید تا از این راه همیشه در خود خدا سهیم باشید.

۱:۵ اگر من که در این مدت کوتاه با اسقف شما چنین صمیمیتی پیدا کرده‌ام که جنبه روحانی آن بیش از رابطه دو انسان است، پس چقدر سعادت شما بیشتر است که با وی در یگانگی نزدیکی بسر می‌برید، همانگونه که کلیسا با عیسی مسیح و عیسی مسیح با پدرش متحدند، تا همگی در اتحاد متفق شوند. ۲:۵ مبادا کسی گمراه گردد، زیرا که فاصله گرفتن از قربانگاه به معنای بی بهره ساختن خود از نان خداست. اگر دعای دو فرد متحد دارای چنین نیرویی است، پس چقدر بیشتر است قدرت دعای اسقف با تمام کلیسا. ۳:۵ کسی که در اجتماع مسیحیان حضور نمی‌یابد، عملی تکبرآمیز انجام می‌دهد و شخصاً خود را محکوم می‌نماید، زیرا چنین نوشته شده است: «خدا در مقابل متکبران ایستادگی می‌کند». پس کوشا باشیم در مقابل اسقف ایستادگی نکنیم تا مطیع اراده خدا گردیم. ۱:۶ اسقف هر قدر بیشتر سکوت اختیار کند می‌بایست از احترام بیشتری برخوردار گردد چون هر مباشری که از سوی ارباب برای اداره کردن خانه او مأمور می‌شود، باید به اندازه فرستنده خود محترم باشد. پس روشن است که ما باید اسقف را همچون خود خداوند بنگریم.

نامه به مگنسیا

۲ افتخار دارم که همه شما را در شخص اسقف شما «داماس» که

۲:۲ دلم می‌خواست چنانچه شایسته آن باشم، شادی خود را در همبستگی با شما یابم. شما باید به طرق مختلف در تجلیل عیسی مسیح که خود، شما را جلال داده است بکوشید تا در اتحادی واحد متحد شده و سر به فرمان اسقف و «اجتماع پیران» نهاده کاملاً تقدیس گردید.

تشویق به اتحاد و اطاعت از اسقف

۲:۳ از آنجایی که محبت مانع از آن می‌شود که در مورد شما سکوت نمایم، موقع را مغتنم شمرده شما را نصیحت می‌کنم که همواره هماهنگ با اندیشه خدا گام بردارید. همچنانکه عیسی مسیح که حیات جداناپذیر ماست خود اندیشه پدر می‌باشد، این چنین اسقفها نیز که تا اقصای عالم مستقر شده‌اند، در اندیشه عیسی مسیح می‌باشند.

۱:۴ بنابراین شما باید همواره با اسقف خود هم اندیشه باشید و این همان کاری است که انجام می‌دهید. اجتماع محترم پیران شما که برآستی شایسته خداوند هستند، آنچنان با اسقف متفقند که گویی تارهایی متصل به چنگ می‌باشند، به این ترتیب از اتفاق احساسات و هماهنگی محبت شما، آوای ستایش بسوی عیسی مسیح برمی‌خیزد. ۲:۴ هر یک از شما با این دسته همسرایان همصدا شوید، آنگاه در هماهنگی توافق و اتحاد خویش، با خدا هماهنگ شده و از طریق مسیح یکصدا گشته، ستایش پدر را خواهید سرایید و او آوای شما را شنیده با توجه به کارهای نیکتان، شما را بعنوان اعضای (بدن) پسر خود خواهد شناخت. بنابراین

واضح است که اینگونه اشخاص وجدان درستی ندارند زیرا اجتماعات آنها فاقد اعتبار و برخلاف حکم خداوند است.

۱:۶ در ایمان است که می توانم در اشخاصی که در آغاز نامه از آنها نام بردم تمام جماعت شما را بخوبی ببینم و محبت نمایم. بنابراین از شما درخواست دارم که تلاش نمایید هر کاری را در هماهنگی مقدس و الهی و تحت ریاست اسقف که نایب خداست و پیران که نایب شورای مشورتی رسولان می باشند و شماسان که مورد علاقه مخصوص من هستند انجام دهید، شماسانی که خدمت عیسی مسیح را برعهده دارند، مسیحی که پیش از زمان در نزد پدر بوده و در این زمان آخر خود را مکشوف ساخته است. ۲:۶ پس با این اتحاد فکری که از خدا می آید یکدیگر را احترام بگذارید. نباید بر حسب معیارهای این جهان به هموعان خود بنگرید بلکه نسبت به همدیگر محبتی پایدار بر حسب عیسی مسیح داشته باشید. در قلب شما چیزی نباشد که موجب تفرقه در میان شما گردد بلکه با اسقف و رؤسای خود متحد شوید تا تصویر و نمونه ای از جاودانگی و فناپذیری گردید.

۱:۷ همانند عیسی خداوند که هیچ کاری را چه خود و چه به دست رسولانش جدا از پدری که با او یکی می باشد انجام نداده است، شما نیز جدا از اسقف و پیران خود کاری انجام ندهید. کوشش بیهوده ای است کاری را که شخصاً انجام داده اید، تحسین آمیز جلوه دهید. بلکه هرکاری را با مشارکت دیگران انجام دهید یعنی تنها یک دعا، یک

لایق خداست و پیران شایسته ای چون «باسوس»، «آپولونیوس» و همچنین شماس «زویتون» که شریک خدمات من است، ملاقات نمایم. یکاش که بتوانم از حضور او بهره مند شوم. این شماس چنان مطیع اسقف است که گویی سر به اطاعت فیض خداوندی نهاده و چنان مطیع جماعت پیران است، که گویی مطیع قانون عیسی مسیح می باشد.

احترام نسبت به اسقف که بدون او هیچ کاری نباید کرد

اقتدا به عیسی مسیح

۱:۳ شایسته نیست که سن کم اسقف خود را مورد سوء استفاده قرار دهید، بلکه بخاطر اقتدار خدای پدر، او را کاملاً مورد احترام قرار دهید. من می دانم که رفتار پیران مقدس شما به همین منوال است و آنها از جوانی ظاهری وی بهیچوجه سوء استفاده نکرده اند، بلکه با الهام گرفتن از حکمت خدا اطاعت وی را به جان پذیرفته اند، گرچه اطاعت آنها نه از وی بلکه از پدر عیسی مسیح یعنی اسقف تمامی عالم می باشد. ۲:۳ بنابراین به جهت احترام به خدایی که ما را دوست دارد باید اطاعت ما از هرگونه تظاهر و ریا، بری باشد. زیرا با فریب دادن اسقفی که می بینیم سعی در فریب اسقف نامرئی می نمایم. در اینگونه موارد انسان با نفس سروکار ندارد بلکه با خدایی که از همه امور نهانی آگاه است، ۴ مسیحی باشید نه تنها به اسم بلکه در عمل، در واقع بعضی درباره مقام اسقفی سخن می گویند اما همه کارها را جدا از وی انجام می دهند. برای من

ساخته است. او به خواست خدا و عیسی مسیح به از میر آمده تا در شادی برخاسته از زنجیرهایی که بخاطر عیسی مسیح حملشان می‌کنم، با من سهیم شود. تمام کلیسای شما را در شخص او می‌بینم.

اطاعت از اسقف

۱:۲ وقتی از اسقف خود همانند عیسی مسیح اطاعت می‌کنید، این به وضوح نشان می‌دهد که رفتار شما ملهم از این دنیا نیست، بلکه ملهم از عیسی مسیح است که برای ما جان سپرد تا با ایمان به مرگ او شما از مرگ رهایی یابید. ۲:۲ بنابراین لازم است که همانگونه که عادت شماست دور از اسقف خویش به هیچ کاری اقدام ننمایید و از جماعت پیران نیز همانند رسولان عیسی مسیح که امید ماست و در او حیات خواهیم یافت، اطاعت کنید. ۳:۲ همچنین لازم است شما سان که در خدمت رازهای عیسی مسیح می‌باشند، در هر امری همه را خوشنود سازند چون آنها تنها توزیع کننده مواد خوراکی و آشامیدنی نیستند، بلکه خدمتگذاران کلیسای عیسی مسیح می‌باشند، آنها باید از هر امری که موجب سرزنش گردد، همانند آتش دوری کنند. ۱:۳ همینطور شما نیز می‌بایست شما سان را مانند خود عیسی مسیح و اسقف را همانند تصویر پدر و پیران کلیسا را همچون مجمع رسولان، گرامی بدارید، چون بدون آنها کلیسایی وجود ندارد. ۲:۳ من متقاعد هستم که عقیده و رفتار شما نسبت به این اشخاص همانطور است که بیان کردم.

۲:۷ کسی که در داخل معبد است پاک و کسی که در خارج از آن

استغاثه، یک روح و یک امید در محبت. تمام اینها عیسی مسیح است و بالاتر از او هیچ نیست.

در ایمان و اتحاد زندگی کنید

۱۲ باشد تا چنانچه شایسته باشم، شما در هر امری موجب شادمانی من باشید. چون گرچه من در بند زنجیر هستم و شما آزاد می‌باشید، معذرا لایق آن نیستم که با هیچیک از شما مقایسه شوم. می‌دانم که بر خود مغرور نمی‌شوید زیرا عیسی مسیح را در خود دارید و علاوه بر آن زمانی که شما را ستایش می‌کنم، می‌دانم که باعث شرمساری شما می‌شوم، همچنان که مکتوب است: «شخص عادل خود متهم کننده خویش است» (امثال ۱۸:۱۷).

۲:۱۳ نسبت به اسقف و به یکدیگر مطیع باشید (ر.ک. افسسیان ۵:۲۱)، همانطوری که عیسی مسیح جسم گرفته، نسبت به پدر خود و نیز رسولان نسبت به مسیح و پدر و روح القدس مطیع بوده اند، تا به این ترتیب اتحاد شما هم باطنی و هم بیرونی باشد.

نامه به ترال

تمجید از مسیحیان «ترال»

۱:۱ به راست دلی و صبر لاینزال شما که از فضیلت‌های ذاتی و نه اکتسابی شماست، واقفم. پولیبیوس، اسقف شما مرا از این امر آگاه

که ما را در خون او متحد می سازد و نیز تنها یک قربانگاه موجود است، همانطوری که اسقف در میان جماعت پیران و شماسانی که شریک خدمت وی هستند، یگانه می باشد. بدین ترتیب شما در همه کارها اراده خدا را بجا خواهید آورد.

۱:۷ ... در مدت اقامت در میان شما فریاد زدم و با صدای بلند به آوایی که از آن خود خدا بود گفتم: به اسقف خود و به جماعت پیران و شماسان خود بپیوندید. اشخاصی نسبت به من مظنون بودند و می پنداشتند چون انشقاق ایشان را درک کرده ام چنین سخن می گویم، حال آنکه آن کس را که بخاطر وی در بند این زنجیر می باشم به شهادت می گیرم که این امور توسط انسانها بر من آشکار نشده است. ۲:۷ روح القدس بود که آن را به من اعلام کرده و می گفت: «هیچ کاری را بدون اسقف انجام ندهید، بدنهای خود را مانند معبد خدا محترم بدارید (اول قرن تیان ۱۶:۳، ۱۹:۶)، اتحاد را دوست داشته باشید، از تفرقه بگریزید و همانطوری که عیسی مسیح از پدر خود پیروی می کرد از او سرمشق بگیرید» (اول قرن تیان ۱:۱۱).

۱:۸ ... خدا در جایی که تفرقه و خشم حکم فرماست، ساکن نمی گردد. با این وجود خداوند شخص توبه کار را می بخشد بشرط اینکه توبه، شخص یاغی را بسوی اتحاد با خدا و همبستگی با اسقف سوق دهد. من ایمان دارم که فیض عیسی مسیح شما را از تمام بندها رهایی خواهد بخشید.

است ناپاک می باشد، بدین معنی که کسی که جدا از اسقف و جماعت پیران و شماسان عمل می کند، وجدانش ناپاک است.

۲:۱۳ شما را در عیسی مسیح به خدا می سپارم. همانطوری که حکم خدا را اطاعت می کنید اسقف را نیز اطاعت کنید و همچنین پیران را.

نامه به فیلادلفیه

در مدح اسقف کلیسایشان

۱:۱ من خوب واقفم که اقدامات شخصی و لطف انسانها و احساس جلال بیهوده، این اسقف را به مقام رهبری جامعه مسیحی شما نرسانده است، بلکه محبت خدای پدر و خداوند عیسی مسیح. نیکویی وی باعث شگفتی من شد. سکوت وی از هر سخنرانی بیهوده ای قویتر است. ۲:۱ زیرا همانطوری که چنگ با سیمهای خود هماهنگی دارد، رفتار وی نیز با قانون خدا هماهنگ است. بنابراین پارسایی وی را که فضیلت و کمال آن مورد تحسین من بود و ثابت قدمی و آرامش وی را که تصویری از رحمت خدای حی می باشد، از صمیم قلب تهنیت می گویم.

۲:۳ ... تمام کسانی که به خدا و عیسی مسیح تعلق دارند، در اتحاد با اسقف باقی می مانند و تمام کسانی هم که توبه می کنند، در اتحاد کلیسا وارد می شوند، ایشان نیز به خدا تعلق خواهند گرفت تا در پیروی از عیسی مسیح زندگی کنند.

۴ پس توجه کنید و فقط در یک آئین شکرگزاری شرکت نمایید. چون تنها یک تن خداوند عیسی مسیح وجود دارد و فقط یک جام هست

نامه به پلیکارپ اسقف از میر

نصایح گوناگون جهت اداره کلیساها

محبت، ملاحظت و ایستادگی

۱:۱ زهد ترا با شادمانی که مانند صخره ای غیرقابل تزلزل، مستحکم می باشد، استقبال می کنم و از ستایش خدا بخاطر دیدار چهره مقدس تو، باز نخواهم ایستاد. باشد که از این نعمت در خدا برخوردار گردم. ۲:۱ از تو خواهش دارم توسط فیضی که به آن ملبس شده ای با شدت بیشتر شتاب کرده و دیگران را نیز برای یافتن نجات ترغیب کنی. شأن اسقفی خود را در رأفت کامل جسمانی و روحانی به اثبات برسان. اتحاد را که از بزرگترین محاسن است بیروان. بار همه برادران را در صبر و شکیبایی بعهدہ گیر، همچنانکه خداوند بار ترا بعهدہ می گیرد. آنها را در محبت تحمل کن گرچه هم اکنون این کار را انجام می دهی. ۳:۱ پیوسته دعا کن، همواره حکمت عمیقتر از آنچه داری درخواست کن، بیدار و هشیار باش و نگذار که روح هرگز به خواب رود. از خدا سرمشق بگیر و با هر کس گفتگویی در حد آن شخص داشته باش. ناتوانی تمام برادران را همانند پهلوانی حقیقی حمل کن (دوم تیموتاوس ۲:۳-۵؛ متی ۸:۱۷). جایی که زحمات فراوان باشد بهره نیز افزون است.

۱:۲ اگر فقط شاگردان خوب را دوست بداری، چه کار قابلی انجام داده ای؟! بلکه باید بیمارترینها را با ملایمت، مرید خود سازی. یک نوع مرهم، مناسب همه زخمها نیست، بحرانهای شدید را با داروهای ملایم

نامه به از میر

به اسقف ملحق شوید

۱:۸ همه شما مانند عیسی مسیح که از پدر پیروی می کرد، از اسقف پیروی نمایید و پیران کلیسا را همچون رسولان. و اما درباره شماسان، ایشان را چون حکم خدا محترم شمارید. در مورد کارهایی که به کلیسا مربوط است جدا از اسقف اقدامی نکنید. تنها آن آئین شکرگزاری، آئین معتبری است که تحت نظارت اسقف یا نماینده او برگزار شود. ۲:۸ در هر جایی که اسقف ظاهر می شود، جماعت مسیحیان نیز باید باشند همانطوری که هر جایی که مسیح عیسی هست کلیسای همگانی نیز هست. برگزاری مراسم تعمید و شام دوستی جدا از اسقف، مجاز نمی باشد بلکه همه آن چیزهایی را که او تأیید کند مورد پسند خدا نیز می باشد. بدین ترتیب هرآنچه که انجام می شود مطمئن و معتبر خواهد بود. ۱:۹ منطق حکم می کند که عقل سلیم خود را بازیابیم و تا جایی که وقت اجازه می دهد از راه توبه بسوی خدا بازگردیم. یک قاعده بجا این است که همیشه خدا و اسقف را مدنظر داشته باشیم. کسی که اسقف را محترم می دارد، مورد احترام خدا واقع می شود. اقدامی که بدون اطلاع اسقف باشد به مثابه خدمت به شیطان است.

بیوه زنان و بردگان

۱:۴ از بیوه زنان غافل مباش چون پس از خداوند، تو باید از آنها مواظبت کنی. مراقب باش که کاری بدون اجازه تو انجام نگیرد و خود تو هم هیچ کاری را بدون خدا انجام نده، البته خط مشی تو همین است. استوار باش. ۲:۴ اجتماعات بیشتری تشکیل بده و تمام ایمانداران را بطور انفرادی و به نام دعوت کن. ۳:۴ با بردگان اعم از زن و مرد با حقارت رفتار مکن، آنها نیز باید از غرور بپرهیزند و بالعکس برای جلال خدا با کوشش بیشتری به خدمتگذاری بپردازند تا آزادی حقیقی را از او بدست آورند و جویای آن نباشند که جماعت مسیحیان بهای آزادی آنان را پرداخت کند، چون به این ترتیب برده امیال خویش می گردند.

پاکدامنی و ازدواج

۱:۵ از حرفه های نادرست گریزان باش و بهتر است بر علیه آنها موعظه کنی. به خواهران من بگو که خداوند را دوست بدارند و نسبت به شوهرانشان جسماً و روحاً وفادار باشند. همچنین به برادران من توصیه کن که بنام «عیسی مسیح همسرانشان را همانطوری که خداوند کلیسا را محبت می دارد، دوست بدارند» (افسسسیان ۵:۲۵-۲۹). ۲:۵ اگر شخصایماندار برای حرمت جسم خداوند می تواند پاکدامن بماند، در فرو تنی بسر برد اگر از این امر مغرور گردد، هلاک می شود و اگر او به عنوان یک شخص پاکدامن خود را به کسانی بغير از اسقف بشناساند فاسد می گردد. همچنین شایسته است اشخاصی که ازدواج می کنند اعم از زن و مرد عقد خود را با نظر اسقف منعقد سازند. تا ازدواج آنان بر حسب خداوند و نه بر

باید تسکین داد. ۲:۲ در هر چیز «مانند مار هشیار و مانند کبوتر ساده دل باش» (متی ۱۰:۱۶). چون در آن واحد هم در جسم هستی و هم در روح، پس بیماری را که می بینی با ملایمت درمان کن. اما در مورد امور نادیدنی دعا کن تا آنها بر تو مکشوف شوند، بدین ترتیب در عمل هیچ کم نخواهی داشت و تمام عطایای روحانی را به فراوانی بدست خواهی آورد. ۳:۲ همانطوری که ناخدای کشتی طالب باد است و کشتیران طوفان زده در پی بندر، همینطور زمان حاضر برای تو چنین ایجاب می کند که بسوی خدا بشتابی. همچون پهلوان خداوند، پرهیزکاری را پیشه کن چون پاداش آن فنا ناپذیر است و آن حیات جاودانی است و تو نیز به آن ایمان راسخ داری. در هر چیز برای تو فدیة می باشم و همچنین این بندهایی که مورد محبت تو می بود.

ایستادگی در مقابل ملحدان

۱:۳ از اشخاصی که در ظاهر، جلب اعتماد کرده ولی تعلیم خطا می دهند نترس. مانند سندان در زیر چکش استوار باش. پهلوان حقیقی با وجود ضربه هایی که بر او وارد می شود، پیروز می گردد. ما باید همه چیز را بطریق اولی بخاطر خدا تحمل کنیم تا او نیز ما را تحمل کند. ۲:۳ بر کوشش خود بیفزای. زمان را تشخیص بده و در انتظار کسی باش که از تمام ناپسامانیها بالاتر بوده و خارج از زمان است، کسی که نامرئی بود و بخاطر ما خود را مرئی ساخت، او که غیر قابل لمس و دردناپذیر بود و بخاطر ما پذیرای درد گردید و هر گونه عذاب و شکنجه را متحمل شد.

نیز جانشینان آنان را تا به امروز یکایک برشماریم. آنان هرگز چنین سخنان نامعقولی را که بدعتکاران می‌گویند نیاموخته و نشناخته‌اند. « Adversus Haereses

ترتولیان

در اواسط قرن دوم در کارتاژ متولد شد. در سال ۱۹۳ به مسیحیت گروید و به عنوان وکیل مدافعی برجسته شناخته می‌شد. در سال ۲۰۳ کلیسای بزرگ را ترک نموده و به مونتانیستها ملحق گردید که فرقه‌ای پرشور و معتقد به دوران جدید روح القدس بود.

اسقف در راز تعمید

«کاهن اعظم (یعنی اسقف) حق دارد که راز تعمید را اعطا نماید، بعد از وی پرسبیترها (کشیشان) و شماسان آن هم فقط با اجازه و اقتدار اسقف می‌توانند این افتخار را در کلیسا به دست آورند (این راز را برای افتخار کلیسا اجرا نمایند) زیرا هنگامی که این اصل حفظ شود صلح و سلامتی حفظ خواهد شد. در غیر این صورت عامه ایمانداران نیز این حق را دارند (زیرا آنچه را همگان یکسان دریافت نموده‌اند می‌تواند به همان صورت توسط همه داده شود. مگر اینکه فقط اسقفان، کشیشان و شماسان اکنون نام شاگردان را بر خود داشته باشند). کلام خداوند را نباید از هیچکس دریغ داشت... اما اصول انضباطی احترام و فروتنی

پایه شهوت انسانی انجام گیرد و همه چیز در راه جلال خدا باشد. نصیحت به ایمانداران: اطاعت از اسقف

۱:۶ به اسقف ملحق شوید تا خدا نیز به شما ملحق شود. زندگی خود را بخاطر آنانی که مطیع اسقف، پیران و شماسان می‌باشند به خدا تقدیم می‌دارم. ایکاش من نیز به‌همراه ایشان در خدا سهمی داشته باشم!

آیرنیوس

آیرنیوس حدود سال ۱۳۰ در آسیای صغیر متولد شد و در سنین جوانی پالیکارپ اسقف از میر را ملاقات نمود. در سال ۱۷۷ اسقف شهر لیون (در فرانسه امروزی) گردید و طبق سنت در نخستین سالهای قرن سوم درگذشت (یا به قولی به شهادت رسید). اثر معروف او *Adversus Haereses* (بر علیه بدعتکاران) نام دارد که حاوی رد تخیلات و هم‌آلود گنوستیکها و بیان تعالیم مسیحی است.

«هنگامی که ما از جانب خویش با توسل به سنتی که از رسولان نشأت گرفته و در کلیسا توسط جانشینی مشایخ (اسقفان) حفظ می‌شود آنان [بدعتکاران] را به مبارزه می‌طلبیم آنان با سنت به مخالفت برمی‌خیزند و ادعا می‌کنند که نه تنها از اسقفان بلکه حتی از رسولان نیز حکیم‌ترند و حقیقت ناب را کشف کرده‌اند.

کسانی که در آرزوی دیدن حقیقت هستند می‌توانند سنت رسولان را در تمام کلیساهای بنگرند که در سرتاسر جهان اعلام شده است. ما می‌توانیم کسانی را که توسط رسولان به مقام اسقفی منصوب شده‌اند و

اسقفان گذارده شده و تمام اعمال توسط خادمینی که آن را اداره می کنند جهت گیری و هدایت می شود. از آنجا که این امور از اراده خدا نشأت گرفته تعجب می کنم که بعضی اشخاص [که در زیر آزار و جفا از ایمان دور شده اند] چنان جسارتی داشته باشند که بدین منوال، به نام کلیسا برای من نامه بنویسند در حالیکه می دانند کلیسا شامل اسقف، روحانیون و تمامی ایمانداران است. رساله ۱:۳۳

پطرس با گفتن «خداوندا نزد که برویم؟» (یوحنا ۶:۶۸) به عنوان نماینده کلیسا به جهت تعلیم ما سخن می گوید زیرا کلیسا بر وی بنا می شود. او در اینجا به ما نشان می دهد که علیرغم جماعت مغرور و متکبری که از اطاعت سرپیچی می کنند، کلیسا هرگز از مسیح جدا نمی شود. کلیسا از مردمانی تشکیل یافته که با کاهن [اسقف] خود متحد هستند، گله ای که به شبان خود پیوسته است. از این رو باید بدانید که اسقف در کلیسا و کلیسا در اسقف است و اگر کسی با اسقف نباشد در کلیسا نیست. کسانی که بیهوده خود را گول می زنند، با اسقفان خدا در صلح و آشتی نیستند، در خفا عمل می کنند و به تقلب و تزویر متوسل می شوند تا با برخی اشخاص مجالست داشته باشند در حالیکه می بینند کلیسا واحد و جامع است و نباید تجزیه و تقسیم شود بلکه بایستی به واسطه پیوستگی متقابل با اسقف، متحد و یگانه باقی بماند.»

رساله ۷:۶۶

چقدر بیشتر بر عامه ایمانداران واجب است (از آن رو که درخور بزرگان آنان نیز هست) پس وظایفی را که برای اسقفان تعیین شده به خودشان نسبت ندهند. رقابت و هم چشمی مادر تفرقه هاست. رسول بسیار مقدس چنین می گوید همه چیز جایز است لکن هر چیز مفید نیست».

De Baptismo (درباره تعمید)

سیپریان

از نویسندگان بزرگ کلیسای اولیه در سال ۲۴۶ به مسیح ایمان آورد. او نیز همانند ترتولیان و کیل مدافعی زبردست و برجسته بود. دو سال پس از تعمید به مقام اسقفی نائل گردید. وی در سال ۲۵۸ در جفای والرین به شهادت رسید. سیپریان خود را شاگرد ترتولیان همشهری خود می دانست.

خدمت اسقفی

(توجه کنید که کلمه «کاهن» (sacerdos)

در نوشته های سیپریان معمولاً به معنای «اسقف» است)

«بر ما واجب است که احکام و فرامین خداوندمان را رعایت نماییم، او خدمت والای اسقف و اصول کلیسایش را مقرر فرمود آن هنگام که در انجیل این سخنان را خطاب به پطرس می گوید: تویی پطرس و برین صخره کلیسای خود را بنا می کنم... (متی ۱۶:۱۸-۱۹). بنابراین نسل بعد نسل و اسقف از پی اسقف آمدند و رفتند و مأموریت و خدمت اسقف و اصول حاکمیت کلیسا منتقل شد آن گونه که کلیسا بر بنیان

خاتمه

در پایان این تحقیق و مطالعه وضعیت فعلی خدماتها در کلیسای کاتولیک، متنی را که با آرای دسته جمعی اسقفان کاتولیک در شورایی که بین سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۵ گرد آمده بود می خوانیم. متن مذکور مربوط به راز کلیسا است و از مجموعه قوانین تعلیم الهیاتی به نام «نور ملل» اقتباس شده است. فصلی که در اینجا ترجمه شده فصل سوم مربوط به «ساختار سلسله مراتب روحانی کلیسا، با عطف مخصوص به مقام اسقفی» می باشد.

ساختار سلسله مراتب روحانی کلیسا با عطف مخصوص به مقام اسقفی

۱۸ مسیح خداوند برای پرورش و رشد دائمی قوم خدا، در کلیسای خود خدمات گوناگونی قرار داد که برای خیریت کل بدن در کار می باشند. زیرا آن خادمی که قدرتی مقدس به آنها ارزانی داشته شده است، خادمان برادران خویش می باشند، به طوری که تمام اشخاصی که از قوم خدا هستند و نتیجتاً از یک هویت حقیقی مسیحی برخوردارند، می توانند با یکدیگر آزادانه و منظم برای یک هدف مشترک کار کنند و به نجات نائل آیند.

انتخاب اسقف توسط اسقفان و با رضایت روحانیون و ایمانداران کلیسا

«در انتصاب اسقف بایستی کسانی را انتخاب کنیم که شخصیتی بی عیب و درستکار همانند رهبرانمان داشته باشند تا زمانی که قربانی کلیسا را به شایستگی تقدیم می دارند مستجاب شوند که این باعث سلامت و نجات قوم خداوند می شود...»

... قوم در اطاعت از احکام خداوند و در خداترسی باید از حکمرانی که گناه می ورزد فاصله بگیرد و در قربانی کاهنی که مقدسات را ناچیز و حقیر می شمارد نباید مشارک داشته باشند. از این رو ایمانداران مخصوصاً قدرت انتخاب اسقفان نالایق را دارند. کار انتخاب اسقف در حضور مردم و در مقابل چشمان همه و لزوم اینکه شایستگی و لیاقت وی با تصمیم و با شهادت عموم تأیید شود، بی تردید با اقتدار الهی به ما رسیده است، درست همانگونه که در سفر اعداد خداوند به موسی امر می فرماید: ((پس هارون و پسدش العازار را برداشته، ایشان را به فراز کوه هور برآمدند و موسی لباس هارون را بیرون کرده به پسرش العازار پوشانید)) (اعداد ۲۰: ۲۵ - ۲۸). بنابراین خدا نشان می دهد که انتصاب به کهنانت بایستی فقط با رضایت قوم و در حضور قوم صورت گیرد تا قوم حاضر باشند و در نتیجه تقصیرات مرد شریر آشکار شود و شایستگی های مرد نیکو اعلام گردد و انتصاب معتبر و منظم باشد همانگونه که رای و تعلیم همه آن را آزموده است [رجوع کنید به انتخاب متیاس (اعمال ۱: ۱۵) و انتصاب ((شماسا)) (اعمال ۶: ۲)]...

(ر.ک مرقس ۳:۱۳-۱۹؛ متی ۱۰:۱-۴۲). او این رسولان را (ر.ک لوقا ۶:۱۳) به صورت یک جمع یا گروه منظم شکل داد و پطرس را که از میانشان انتخاب نموده بود در رأس آنان قرار داد (ر.ک یوحنا ۲۱:۱۵-۱۷). وی آنان را نخست به سوی بنی اسرائیل و سپس به سوی تمام ملل فرستاد (ر.ک رومیان ۱:۱۶)، تا آن که به عنوان شریک قدرتش، تمام قومها را شاگرد وی ساخته و آنان را تقدیس و راهبری نماید (ر.ک متی ۲۸:۱۶-۲۰؛ مرقس ۱۶:۱۵؛ لوقا ۲۴:۴۵-۴۸؛ یوحنا ۲۰:۲۱-۲۳). آنها به این ترتیب کلیسای او را انتشار می‌دادند و با خدمت به آن تحت هدایت خداوند، هر روزه حتی تا انقضای جهان آن را شبانی خواهند نمود (ر.ک متی ۲۸:۲۰).

رسولان در روز پنطیکاست به طور کامل طبق وعده خداوند که گفت: «چون روح القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال ۱:۸)، در این رسالت استوار گشتند (ر.ک اعمال ۲:۱-۲۶).

رسولان با اعلام انجیل در همه جا (ر.ک مرقس ۱۶:۲۰)، که تحت نفوذ روح القدس توسط شنوندگان نشان پذیرفته می‌شد، کلیسای جهانی را که خداوند بر رسولان قرار داد و بر پطرس رسول ساخت، گرد آوردند که رأس ایشان یعنی مسیح عیسی خود همواره سنگ زاویه آن است (ر.ک مکابیان ۲۱:۱۴؛ متی ۱۶:۱۸؛ افسسیان ۲:۲۰).

این مجمع بس مقدس که بر جای پای نخستین شورای واتیکان گام برمی‌دارد، به همراه آن شورا تعلیم می‌دهد و اعلام می‌دارد که عیسی مسیح، شبان ابدی، کلیسای مقدس خویش را با فرستادن رسولان، به همان طور که خود توسط پدر فرستاده شده بود (ر.ک یوحنا ۲۰:۲۱)، برپا نمود. اراده وی بر این بود که جانشینان آنها یعنی اسقفان، می‌بایستی در کلیسای او حتی تا انقضای جهان شبان باشند.

برای اینکه مقام اسقفی یکپارچه و اشتقاق ناپذیر باشد، پطرس رسول را در رأس دیگر رسولان قرارداد و در روی اصل و بنیاد دائمی و آشکار از اتحاد در ایمان و مصاحبت ایجاد نمود. و این مجمع بار دیگر تقاضا دارد که همه ایمانداران تمامی این تعلیم را درباره بنیانگذاری، ثبات، نیرو و دلیل ارشدیت پاپ روم و اقتدار خطا ناپذیر تعلیم وی، بپذیرند.

این مجمع در ادامه اقدام به روشن ساختن مسائل که توسط واتیکان اول آغاز گشت، مصمم است تا تعلیم آن را در ارتباط با اسقفان که جانشینان رسولان بوده و به همراه جانشین پطرس که «نماینده مسیح» و رأس مرئی کل کلیسا می‌باشد تا خانه خدای زنده را رهبری نمایند، در مقابل همه انسانها اعلام و اعلان بدارد.

انتخاب دوازده رسول

۱۹ خداوند عیسی پس از آن که به پدر دعا نمود و آنانی را که می‌خواست به سوی خود خواند، دوازده مرد را که همراه وی خواهند ماند و برای اعلام ملکوت خدا فرستاده خواهند شد، برگزید

اسقفان با یاران خود یعنی کشیشان و شماسان، خدمت جامعه را بر عهده گرفته و به عنوان معلمین اصول عقیدتی، کاهنان آیین مقدس و خادمان نظام روحانی، نام خدا و به جای خدا بر گله ای که شبانی آن را بر عهده دارند، سرپرستی می کنند. همان طور که نقشی را که خداوند به طور مخصوص به پطرس، اولین رسول از میان بقیه عطا کرد، دائمی است و باید به جانشینان وی انتقال می یافت، وظیفه شبانی کلیسا که بر عهده رسولان بود نیز دائمی می باشد و بایستی توسط مرتبت اسقفان بدون هیچگونه گسیختگی اعمال گردد. بنابراین، این مجمع مقدس چنین تعلیم می دهد که اسقفان توسط آنچه که خدا مقرر کرده است، به عنوان شبانان کلیسا به جانشینی رسولان نائل آمده اند، پس آن که ایشان را می شنود مسیح را شنیده است، و آن که آنان را رد می کند مسیح و فرستنده وی را رد می نماید (ر.ک لوقا ۱۰:۱۶).

راز مقام اسقفی

۲۱ بنابراین خداوند ما عیسی مسیح کاهن اعظم، در شخص اسقفان که کشیشان کمک دهندگان نشان می باشند، در میان ایمانداران حضور دارد. او با نشستن به دست راست خدای پدر، در جمع کاهنان اعظم خویش غایب نیست، بلکه پیش از همه از طریق خدمت والای آنان، «سخن خدا» را به تمام ملل موعظه می نماید و دائماً رازهای ایمان را به ایمانداران اعطا می کند. او توسط نقش پدران اسقفان (ر.ک اول قرن تیان ۴:۱۵)، با تولدی آسمانی اعضای جدیدی به بدن

اسقفان جانشینان رسولان

۲۰ آن رسالت الهی که توسط مسیح به رسولان سپرده شده است، تا پایان جهان ادامه خواهد یافت (متی ۲۸:۲۰)، زیرا انجیلی که باید توسط آنان ارائه می شد، در تمام زمانها سرچشمه کل زندگی کلیساست. به همین دلیل رسولان بر آن شدند تا طبق اساس سلسله مراتب روحانی این جامعه، جانشینانی برگزینند.

زیرا بدین وسیله آنان نه تنها در خدمت خویش یارانی داشتند، بلکه همچنین برای اینکه رسالت محول شده به آنان پس از مرگشان ادامه یابد، وظیفه تکمیل و تثبیت کاری را که توسط خودشان شروع شده بود، به همکاران مستقیم خویش به عنوان نوعی عهد واگذار نموده و آنان را موظف می کردند تا از کل گله ای که روح القدس آنها را برای شبانی کلیسای خدا در آن قرار داده بود، مواظبت نمایند (ر.ک اعمال ۲۰:۲۸). بنابراین رسولان چنین مردانی را برگزیدند و برقراری این گزینش را رسمیت دادند، تا آن که پس از مرگ این اشخاص، دیگر افراد شایسته بتوانند خدمت آنان را بر عهده گیرند.

در میان خدمات گوناگونی که از همان نخستین روزهای کلیسا انجام می شد مقام ارشد بر طبق سنت به کسانی تعلق دارد که با برگزیده شدن به مقام اسقفی در سلسله ای که به همان آغاز باز می گردد، بذر رسولی را نداوم می بخشند. به این ترتیب همانطور که آیرنیوس قدیس شهادت می دهد، سنت رسولی از طریق آنانی که توسط رسولان برگزیده شدند و از طریق جانشینان آنها تا به امروز، در سراسر جهان آشکار و حفظ شده است.

کلیسای شرق و غرب ابراز می‌شود، روشن است که فیض روح القدس به وسیله دستگذاری و کلمات تقدیس چنان اعطا گشته و شخصیت مقدس چنان تثبیت می‌گردد که اسقفان به روشی محرز و آشکار، نقش خود مسیح را به عنوان معلم، شبان و کاهن اعظم بر عهده می‌گیرند و وظیفه او را انجام می‌دهند، بنابراین امر پذیرفتن اعضای منتخب جدید در هیأت اسقفان به وسیله راز مراتب کلیسایی، به اسقفان محول شده است.

۲۲ به همان گونه که پطرس رسول و دیگر رسولان طبق اراده خداوند یک جمع رسولی را تشکیل می‌دادند، پاپ روم به عنوان جانشین پطرس و اسقفان به عنوان جانشینان رسولان نیز با یکدیگر یک جمع متشکل هستند. طبیعت و مفهوم مرتبت اسقفی به عنوان یک جمع واحد، طبق اصول بس کهن آشکار شده که آن اسقفان منتخب سراسر دنیا توسط پیوند اتحاد، محبت و صلح با یکدیگر و با اسقف روم می‌زیستند و همچنین این امر به وضوح در گردهمایی شوراهایی دیده می‌شد که طی آن با رأی مشترک دربارهٔ مسائل مهمتر تصمیماتی اتخاذ می‌گشت که منعکس سازندهٔ نظرات بسیاری از اشخاص بود. شورای بین‌کلیسایی که در طی قرون تشکیل شده‌اند، به روشنی مؤید این جنبه از وحدت جمعی می‌باشند. این اصول که در زمانهای کهن متداول گشته، همچنین گویای گردآمدن چندین اسقف برای شرکت در ارتقاء کسی است که به تازگی برای خدمت کهنانت اعظم برگزیده شده. به این ترتیب شخص

خود می‌پیوندد و نهایتاً توسط ذکاوت و حکمتشان، قوم «عهد جدید» را در کاروان زیارتش به سوی خوشبختی جاودانی هادی و رهنمون می‌گردد.

این شبانان که برای چوپانی گله خداوند برگزیده شده‌اند، خادمان مسیح و توزیع‌کنندگان رازهای خدا می‌باشند (ر.ک اول قرنتیان ۴:۱). شهادت دادن به انجیل فیض خدا (ر.ک رومیان ۱۵:۱۶؛ اعمال ۲۰:۲۴) و انجام خدمت پر جلال روح القدس و عدالت (ر.ک دوم قرنتیان ۳:۸-۹)، بر عهده آنان گذاشته شده است.

رسولان با افاضه مخصوص روح القدس که بر آنان فرود آمد (ر.ک اعمال ۱:۸، ۴:۲؛ یوحنا ۲۰:۲۲-۲۳)، برای پیاده کردن چنین وظایف سنگینی، توسط مسیح غنی گشتند. آنها این عطیه روحانی را با دستگذاری (ر.ک اول تیموتاوس ۴:۱۴؛ دوم تیموتاوس ۱:۶-۷)، به یاری دهندگان خود واگذار نمودند که توسط راز مقام اسقفی به ما انتقال یافته است. این مجمع مقدس چنین تعلیم می‌دهد که کمال راز مراتب روحانی و کمالی که در برگزاری آیین پرستشی کلیسا و به زبان پدران مقدس کلیسا بی‌تردید کهنانت اعظم و اوج خدمت مقدس گفته می‌شود، با تقدیس اسقفی اعطا می‌گردد.

لیکن تقدیس اسقفی، به همراه امر تقدیس، امور تعلیم و سرپرستی را نیز اعطا می‌نماید اما اینها طبق طبیعت اصلی خویش می‌توانند تنها در مشارکت سلسله مراتب روحانی با سر و اعضای این جمع انجام شوند زیرا طبق سنتی که بالاخص در آیین‌های پرستشی کلیسا و روش انجام امور در

ارشدیت و الویت سرخویش را با ایمان تشخیص می‌دهند، اقتدارشان را برای خیریت ایمانداران خود و کل کلیسا به کار می‌برند، ضمن اینکه روح القدس به طور مداوم ترکیب بنیانی و هماهنگی درونی آن را تقویت می‌بخشد.

اقتدار عالی این جمع واحد که آن را بر کل کلیسا قدرت می‌دهد، از طریق یک شورای اتحاد به شکلی رسمی اعمال می‌گردد. یک شورای جهانی هرگز نمی‌تواند به منظور اتحاد تشکیل شود، مگر آن که موضوع آن توسط جانشین پطرس تأیید یا حداقل پذیرفته گردد. حتی امتیاز ویژه پاپ روم آن است که این شوراها را ترتیب داده بر آنها سرپرستی کند و تأییدشان نماید. همین حرکت جمعی واحد می‌تواند توسط اسقفانی که در تمام نقاط جهان زندگی می‌کنند، در اتحاد با پاپ اعمال گردد به شرط آن که سر آن جمع واحد ایشان را به حرکت جمعی مزبور فراخواند، یا آن که چنان حرکت متحد اسقفان پراکنده را تأیید نماید یا آزادانه بپذیرد که به صورت یک حرکت حقیقی جمعی واحد درآید.

روابط درونی مجمع اسقفان

۲۳ این پیوند واحد جمعی همچنین در روابط دوجانبه هر اسقف با کلیساهای محلی و کلیسای جهانی آشکار است. پاپ روم به عنوان جانشین پطرس، منبع و بنیاد همیشگی و قابل رؤیت اتحاد اسقفان و جماعت ایمانداران می‌باشد. باید گفت که یک اسقف نیز اصل و بنیاد آشکار اتحاد در کلیسای محلی خود که به نمونه کلیسای جهانی به وجود

چارچوب سلسله مراتب روحانی، عضو جمع اسقفان محسوب می‌شود. اما جمع یا هیأت اسقفان اقتداری ندارد جز اینکه از سرخویش یعنی پاپ روم و جانشین پطرس، و البته بدون تقلیل قدرت ارشدیت پاپ بر همه، در آن واحد از شبانان و عموم ایمانداران آگاهی داشته باشد. زیرا پاپ روم به خاطر مقامش که عبارتست از نماینده مسیح و شبان کل کلیسا، بر آن قدرت کامل، عالی و جهانی دارد، و همواره می‌تواند این قدرت را آزادانه به کار گیرد.

مقام اسقفان در اقتدار تعلیم و حکومت شبانی، جانشین جمع واحد رسولان می‌باشد، یا به بیان بهتر، جمع رسولان بدون هیچ وقفه‌ای، در مقام اسقفی تداوم پیدا می‌کند. مقام اسقف به همراه سر خود یعنی پاپ روم، و هرگز نه بدون این سر، دارنده قدرت عالی و کامل بر کلیسای جهانی می‌باشد. لیکن این قدرت تنها با موافقت پاپ روم می‌تواند اعمال شود. زیرا خداوند ما تنها شمعون پطرس را صخره و دارنده کلیدهای کلیسا قرار داد (ر.ک متی ۱۶:۱۸-۱۹) و او را به عنوان شبان کل گله برگزید (ر.ک یوحنا ۲۱:۱۵-۱۷).

در هر حال قدرت بستن و گشودن که به پطرس داده شد (متی ۱۶:۱۹)، به طور قطع همچنین به جمع واحد رسولان در اتحاد با سرشان اعطا گردید (متی ۱۸:۱۸، ۲۸:۱۶-۲۰). این جمع واحد از آنجا که از بسیاری تشکیل یافته است، بیان دارنده گوناگونی و جهانی بودن قوم خدا می‌باشد، لیکن از آنجا که در زیر نظر یک سرگرد آمده، گویای اتحاد گله مسیح نیز می‌باشد. در این جمع، اسقفان در حالی که

مؤثری در خیریت کل بدن اسرارآمیزی که همچنین بدن کلیساست، سهیم اند.

کار اعلام انجیل در همه جای زمین بر عهده گروه شبانان است. مسیح این حکم خود را مشترکاً به همه آنان داد که بدان وسیله وظیفه‌ای مشترک بر عهده شان گذارد، همان طور که پاپ سلستین (Celestine) در زمان خویش این را به «پدران شورای افسس» یادآور شد. دنباله این امر چنان است که هر یک از اسقفان فرداً مقیدند تا جایی که حدود اختیارشان اجازه می‌دهد، در میان خود و با جانشین پطرس که به طریقی ویژه وظیفه عظیم انتشار نام مسیحی به وی تفویض گشته است، جامعه‌ای کوشا تشکیل دهند. بنابراین آنان بایستی با تمام نیروی خود، نه تنها به طور مستقیم و از سوی خویش، بلکه همچنین با برانگیختن همکاری پر اشتیاق ایمانداران کارکنانی به منظور برداشت محصول و همین طور کمکهای روحانی و مادی، برای این رسالتها فراهم آورند. و نهایتاً اسقفان باید یاری برادرانه خود را در یک مصاحبت جهانی محبت، طبق نمونهٔ پراچ پیشینیان، با شادی شامل حال کلیساهای دیگر و به خصوص دوایر همجوار و محتاج‌تر بنمایند.

توسط حکمت الهی، این امکان به وجود آمده است که کلیساهای مختلف مستقر در مکانهای گوناگون به وسیله رسولان و جانشینان آنها، در طول زمان در گروههای متعددی با اساس متحد قرار گیرند، که با حفظ اتحاد ایمانی و سرشت یگانه الهی کلیسای جهانی، از نظم و مقررات خود، کاربرد آیین پرستشی خویش، میراث علم الهی و روحانی خودشان

آمده می‌باشد. کلیسای واحد و یگانه کاتولیک در چنین کلیساهای منفرد، و از اینها به وجود می‌آید. به همین دلیل هر اسقف نماینده کلیسای خود می‌باشد، لیکن همه آنان با هم در اتحاد با پاپ نماینده تمام کلیسا هستند که در پیوند صلح، محبت و اتحاد به سر می‌برند. هر اسقفی که مسئولیت یک کلیسای محلی را به عهده دارد، کار شبانی خود را بر بخشی از قوم خدا که به توجه وی سپرده شده‌اند انجام می‌دهد، و نه بر دیگر کلیساها و همچنین نه بر کلیسای جهانی. لیکن هر یک از آنان به عنوان اعضای جمع واحد اسقفی و جانشینان بر حق رسولان، توسط فرمان و حکم مسیح مقیدند تا به کل کلیسا توجهی خاص مبدول دارند.

این توجه خاص با آن که با استفاده از اقتدار قانونی و قضایی انجام نمی‌گیرد، اما شدیداً در خیریت کلیسای جهانی سهیم می‌باشد. زیرا تمام اسقفان وظیفه دارند که اتحاد ایمان و انتظامی را که در کل کلیسا مشترک می‌باشد، ترویج و محافظت نمایند، در مورد کل بدن سرّی مسیح، بالاخص درباره اعضای فقیر و رنج‌دیده و اشخاصی که به خاطر عدالت تحت تعقیب و آزار می‌باشند (ر.ک متی ۵: ۱۰)، ایمانداران را در محبت آگاه سازند، و نهایتاً هر فعالیتی را که در کل کلیسا مشترک می‌باشد تقویت بخشد. به خصوص تلاشهایی که برای انتشار ایمان و طلوع نور کامل حقیقت بر تمام انسانها به کار گرفته می‌شود. در پایان باید گفت که این واقعیتی مقدس است که آنان با سرپرستی شایسته کلیسای خویش به عنوان بخشی از کلیسای جهانی، خودشان به طور

دیاکونیا (Diakonia) یا خدمت گفته می شود (ر.ک اعمال ۱: ۱۷ و ۲۵، ۱۹: ۲۱؛ رومیان ۱۳: ۱۱؛ اول تیموتاوس ۱: ۱۲).

رسالت شرعی اسقفان توسط آن رسوم مشروع و قانونی امکان پذیر می شود که توسط اقتدار عالی و جهانی کلیسا، یا قوانین مدون یا به رسمیت شناخته شده به وسیله همین مرجع، یا مستقیماً از طریق خود جانشین پطرس مردود شناخته نشده باشد. در صورتی که جانشین پطرس از مشارکت رسولی امتناع ورزیده یا آن را منکر شود، اسقف قادر به عهده دار شدن وظیفه محوله خود نخواهد بود.

وظیفه تعلیمی اسقفان

۲۵ در میان وظایف اساسی اسقفان، موعظه انجیل از اهمیت بارزی برخوردار است. زیرا اسقفان موعظه کنندگان ایمانند که شاگردان تازه ای را به سوی مسیح رهنمون می شوند. آنان معلمان معتبر یا معلمانی می باشند که اقتدار مسیح را دریافت داشته و به قومی که به دست آنها سپرده شده اند، ایمانی را موعظه می نمایند که باید باور داشته شود و به مرحله عمل برسد. آنها به وسیله نور روح القدس، این ایمان را روشن ساخته و تازه ها و کهنه ها را از گنجینه مکاشفه بیرون می آورند (ر.ک متی ۱۳: ۵۲) و بدین وسیله باعث ثمربخش بودن ایمان و دفع هوشیارانه هر خطایی می شوند که گله شان را تهدید می نماید (ر.ک دوم تیموتاوس ۴: ۱-۴).

اسقفان که در مشارکت با پاپ روم تعلیم می دهند، باید به عنوان

برخوردار باشند. برخی از این کلیساها، و به ویژه کلیساهای پاتریارکی کهن، به عنوان ریشه های ولدی ایمان، دیگر کلیساها را همچون فرزند مولد نموده اند. کلیساهای کهن توسط کلیساهای جدیدتر، در زندگی رازگونه و احترام دوجانبه خویش برای حقوق و وظایف، با پیوند نزدیکی از محبت، به زمان ما مرتبط گشته اند.

این گوناگونی در کلیساهای محلی که دارای یک سودای مشترک می باشند، به طور مخصوص تمام و کمال نشانگر جامعیت کلیسای تقسیم نشده است. به همین طریق مجامع اسقفی امروزه تمایل به همکاری چند جانبه و ثمربخش دارند، تا آن که این جنبه وحدت جمعی عملاً به کار بسته شود.

خدمت اسقفی

۲۴ تمام قدرت بر زمین و در آسمان به خداوند داده شد. اسقفان به عنوان جانشینان رسولان، از وی رسالت تعلیم تمام ملل و موعظه انجیل به هر آفریده ای را دریافت می دارند، تا آن که همه انسانها به وسیله ایمان، تعمید و انجام فرامین، به نجات نائل آیند (ر.ک متی ۲۸: ۱۸؛ مرقس ۱۶: ۱۵-۱۶؛ اعمال ۱۷: ۲۶-۱۸). مسیح خداوند برای به انجام رساندن این رسالت، وعده روح القدس را به رسولان داد و در روز پنطیکاست روح را از آسمان فرستاد. آنان باید با قدرت او در مقابل ملل و قومها و پادشاهان حتی تا اقصای زمین به مسیح شهادت دهند (ر.ک اعمال ۱: ۸، ۲: ۱-۱۲، ۹: ۱۵). حال همان وظیفه ای که خداوند به شبانان قومش سپرد، خدمتی حقیقی است و در کتاب مقدس صراحتاً

این خطا ناپذیری که آن رهایی دهنده الهی اراده نمود که به کلیسایش ارزانی دارد، تا کلیسا بتواند بدان وسیله اصول عقیدتی ایمان و اصول اخلاقی را روشن نماید، تا سرحد وسعت مکاشفه الهی که به امانت داده شده امتداد می‌یابد، و بایستی با توجه تمام حراست شده و با وفاداری تعلیم داده شود. این است آن خطا ناپذیری که رأس جمع اسقفان یعنی پاپ روم هنگامی که به عنوان شبان اعظم و معلم تمام ایمانداران که برادرانش را در ایمان تثبیت می‌نماید (ر.ک لوقا ۲۲:۳۲)، در نهایت یک اصل عقیدتی ایمان یا اصول اخلاقی را اعلام می‌کند، بنا به مقامش به کار می‌گیرد. بنابراین تصمیمات وی به خودی خود و نه بنا به توافق کلیسا، به طور عادلانه حالتی اصلاح ناپذیر دارد، زیرا به یاری روح القدس که وعده‌اش در پطرس قدیس به وی داده شد اعلام می‌گردد. به این ترتیب این تصمیمات نه محتاج به تصدیق دیگران است و نه محلی برای قضاوتی دیگر دارد. زیرا در آن حالت او فتوای خویش را به عنوان یک فرد اعلام نمی‌کند، بلکه به عنوان معلم اعظم کلیسای جهانی و کسی که عطیه خطا ناپذیری خود کلیسا در شخص او حاضر است، به تعلیم یا دفاع از یک اصل عقیدتی در ایمان کاتولیک می‌ایستد.

عطیه خطا ناپذیری که به کلیسا وعده داده شده همچنین در جمع اسقفان به هنگامی که با جانشین پطرس اقتدار عالی تعلیم را به کار می‌بندند ساکن است. موافقت کلیسا در باب تصمیمات نهایی، به خاطر فعالیت روح القدس که همواره یکی است و کل گله مسیح را محافظت

شاهدان حقیقت الهی و کاتولیک توسط همه محترم داشته شوند. اسقفان در موارد ایمان و اصول اخلاقی، به نام مسیح سخن می‌گویند و ایمانداران بایستی تعلیم آنان را پذیرفته و با یکدلی مذهبی به آن وفادار باشند. این پذیرش مذهبی اراده و ذهن باید به طور مخصوص نسبت به اقتدار تعلیم معتبر پاپ روم نمایان گردد، حتی زمانی که او در ارتباط با اقتدار خود سخن می‌گوید این بدان معنی است که چنین تعلیمی بایستی به طریقی نشان داده شود که اقتدار عالی وی با احترام باز شناخته شده و قضاوتش بر حسب ذهن و اراده روشن او مورد تأیید قرار گیرد. ذهن و اراده وی در این مورد ممکن است از خصوصیات تعلیمی، از تکرار همیشگی یک اصل عقیدتی، یا از طرز بیانش شناخته شود.

با آن که امتیاز خطا ناپذیری شامل حال هیچ یک از اسقفان به تنهایی نمی‌شود، با این وجود آنان می‌توانند اصول عقیدتی مسیح را بدون خطا اعلام دارند. این موضوع حتی زمانی مصداق پیدا می‌کند که آنان در جهان پراکنده باشند، لیکن در حالی که در میان خود و با جانشین پطرس پیوند اتحاد برقرار نموده و بر سر یک موضوع ایمانی یا اصول اخلاقی، تعلیمی ارائه می‌دهند، در یک دیدگاه واحد به عنوان آنچه که باید به منتهی درجه حفظ و حراست شود هم‌رأی باشند. زمانی که اسقفان به عنوان معلمان و داوران ایمان و اصول اخلاقی برای کلیسای جهانی در یک شورای اتحاد گرد آیند، صحبت اقتدار مذکور از آن هم روشن تر نشان داده می‌شود. آن وقت است که کلیسا باید با اطاعت در ایمان، تصمیمات آنان را با گوش جان بشنود.

سوی خدا در روح القدس و در تمامیت خود هستند (ر.ک اول تسالونیکیان ۵:۱). ایمانداران در آنها توسط اعلام انجیل مسیح گرد آمده اند و در آنهاست که راز «شام خداوند» برگزار می گردد، تا کل جمع برادران به وسیله تن و خون مسیح به یکدیگر ببیوندند.

در هر جامعه ای که گرد قربانگاهی تحت خدمت مقدس اسقف زیست می کند، نمادی از آن محبت و «اتحاد بدن اسرارآمیزی که بدون آن نجاتی وجود ندارد»، آشکار است. مسیح در این جوامع که غالباً کوچک و فقیرند، یا دور از دیگر جوامع زندگی می کنند، حضور دارد. وجود اوست که سبب گرد آمدن کلیسای واحد، مقدس، جامع و رسولی می گردد. زیرا «شراکت در بدن و خون مسیح چیزی جز تبدیل ما به آنچه که می خوریم و می نوشیم نیست».

برگزاری هر قربانی مقدس مشروعی، توسط اسقف که وظیفه تقدیم پرستش ایمان مسیحی به عظمت شاهوار الهی، و به اجرا درآوردن آن مطابق با فرامین خداوند و مطابق با قوانین کلیسا به طوری که با تصمیمات خاص او در مورد دایره اسقفی خویش روشن تر گشته است، ترتیب داده می شود.

اسقفان با دعا و تلاشی این چنین برای قوم، کمال قدوسیت مسیح را از طرق بسیار و به فراوانی منتقل می نمایند. آنان توسط راز کلام، قدرت خدا را با کسانی که به نجات ایمان دارند به شراکت می گذارند (ر.ک رومیان ۱:۱۶). آنها از طریق رازها که تقسیم منظم و ثمربخش آن را توسط اقتدار خود هدایت می نمایند، ایمانداران را مطهر می سازند.

نموده و باعث می شود تا در اتحاد ایمان به پیش رود، همیشه وجود دارد.

لیکن هرگاه پاپ روم یا مجمع اسقفان با وی فتوایی صادر می کنند، آنها مطابق با خود مکاشفه اعلام می دارند. همگی موظفند که این مکاشفه را ابقا نموده و تحت فرمانش قرار گیرند، مکاشفه ای که به صورت نگاشته شده یا حفظ شده توسط سنت، از طریق جانشینی مشروع اسقفان و به ویژه از طریق شخص پاپ روم، در کمال خود انتقال یافته است.

مکاشفه در نور هدایت کننده روح راستی، به دقت در کلیسا محافظت گشته و با وفاداری شرح داده می شود. پاپ روم و اسقفان بنا به اختیارات خود و اهمیت موضوع، عمیقاً و به وسائل مناسب در تلاشند تا به درستی آن مکاشفه را استفسار نموده و مضمون آن را به شایستگی بیان دارند. لیکن به عقیده آنها هیچگونه مکاشفه جدید علنی که در ارتباط با ودیعه الهی ایمان باشد نمی تواند وجود داشته باشد.

وظیفه تقدیسی اسقفان

۲۶ اسقف که به کمال راز مراتب روحانی مههور است، بالاخص در قربانی مقدسی که تقدیم می دارد یا سبب تقدیمش می گردد، و کلیسا دائماً توسط آن زندگی و رشد می نماید، «مسئول تقسیم فیض کهنانت اعلی» می باشد. این کلیسای مسیح حقیقتاً در تمام جماعات مشروع محلی ایماندارانی حضور دارد که متحد با شبانان خود، در عهد جدید به کلیسا

بر اتباع خود، و نظارت بر هر آنچه که در ارتباط با ترتیب پرستش و رسولیت می باشد.

وظیفه شبانی با توجه همیشگی و روزمره گوسفندان کاملاً به آنها سپرده شده است. به آنان نباید نسبت نماینده پاپ روم داده شود، زیرا از اقتداری استفاده می کنند که شایسته اسقفان است، و حقاً به آنان «خلیفه»، یعنی سر قومی که تحت سرپرستیشان می باشد گفته می شود. بنابراین قدرتشان توسط قدرت اعظم و جهانی از بین نمی رود، بلکه بالعکس از آن طریق تأیید، تقویت و پشتیبانی می شود، زیرا روح القدس آن شکل حکومتی را که مسیح خداوند در کلیسایش برقرار نمود، همچنان حفظ می کند.

از آنجا که اسقف برای سرپرستی خانواده «پدر» از سوی وی فرستاده شده است، باید نمونه شبان نیکو را که آمد نه تا آن که خدمتش کنند، بلکه تا خدمت کند (ر.ک متی ۲۸:۲۰؛ مرقس ۱۰:۴۵)، و تا آن که زندگی خود را برای گوسفندانش نثار نماید (ر.ک یوحنا ۱۱:۱۰)، مد نظر داشته باشد. او قادر است بر نادانان و خطاکاران شفقت داشته باشد، زیرا که از میان انسانها گرفته شده و خودش گرفتار ضعف می باشد (ر.ک عبرانیان ۵:۱-۲). او نباید از گوش فرا دادن به اتباع خود که به عنوان فرزندان حقیقی اش مایه دلگرمی او بوده و در همکاری بی دریغ با وی مورد تشویق و ترغیب می باشند، ابا نماید. او باید روزی برای جانهای آنان حسابی به خدا بدهد (ر.ک عبرانیان ۱۳:۱۷)، پس توسط دعا، تعلیم و تمام اعمال محبت خود نه تنها از آنها،

اسقفان تفویض تعمید را که توسط آن شراکتی در کهنانت مسیح بخشیده می شود، سرپرستی می کنند. آنان خادمین اصیل عمل تثبیت، بخشیدن مراتب مقدس روحانی، و ناظران رفتار توبه کاران می باشند. آنها مشتاقانه قومشان را به اجرای سهم خود در آیین عبادت و به خصوص در قربانی مقدس تشویق و راهنمایی می نمایند. و نهایتاً باید به نمونه روش زندگیشان، با اجتناب از تمام بدی و تبدیل بدی به نیکویی تا آنجا که به کمک خدا بدان قادرند، بر آنانی که تحت سرپرستیشان می باشند به نیکویی تأثیر داشته باشند. به این طریق یه همراه گله ای که به توجه آنان سپرده شده، می توانند به حیات جاویدان دست یابند.

وظیفه سرپرستی اسقفان

۲۷ اسقفان، کلیساهای محلی را که به آنان واگذار شده اند، به عنوان نمایندگان و سفیران مسیح اداره می کنند. آنان این مهم را با مشاورت، تشویق و نمونه خویش و همچنین حقیقتاً به وسیله اقتدار و قدرت مقدس خود انجام می دهند. آنها این قدرت را تنها برای بنای گله خود در راستی و تقدس به کار می برند، با یاد آوردن این امر که بزرگتر باید همچون کهتر بشود و شخص برجسته بایستی خادم گردد (ر.ک لوقا ۲۲:۲۶-۲۷). این قدرتی که آنان شخصاً به نام مسیح اعمال می کنند لازم، طبیعی و آنی است، با اینکه اعمال آن کلاً به وسیله اقتدار عالی کلیسا تعیین گشته و به خاطر منفعت کلیسا یا ایمانداران دارای محدودیتهای خاصی می باشد. حق مقدس و وظیفه اسقفان در مقابل خداوند به خاطر وجود این قدرت عبارتست از وضع قانون و صدور حکم

ایمانداران و برگزاری پرستش الهی به عنوان کاهنان حقیقی عهد جدید تقدیس گشته اند. آنان در چارچوب خدمت خود به عنوان مشارکت در مأموریت مسیحی که یکتا شفیع می باشد (اول تیموتاوس ۲:۵)، کلام الهی را به همه اعلام می دارند. آنها این مأموریت مقدس مسیح را بیش از همه در آیین قربانی مقدس یا عبادت انجام می دهند. در آنجا کشیشان تقدیمی ایمانداران را به نام مسیح و به جای مسیح و با اعلام رازش، به قربانی سر خود پیوند می دهند. آنان تا زمان آمدن خداوند (ر.ک اول قرنتیان ۱۱:۲۶) قربانی یگانه عهد جدید، یعنی قربانی مسیح که خود را یک بار برای ابد به عنوان قربانی بی عیب به پدر گذرانید (ر.ک عبرانیان ۹:۱۱-۲۸)، در قربانی مقدس باز ارائه داده و اجرا می نمایند.

کشیشان خدمت در راه مصالحه و تسلی را به طور کامل برای اشخاص توبه کار یا رنجور در میان ایمانداران انجام می دهند، و نیازها و دعاها را ایمانداران را به خدای پدر تقدیم می دارند (ر.ک عبرانیان ۵:۱-۴). آنان مأموریت مسیح به عنوان شبان و سر را در چارچوب اقتدار خود به عهده گرفته و از این راه خانواده خدا را به عنوان جماعت برادران که دارای یک فکر واحد می باشد گرد می آورند و آنها را از طریق مسیح در روح القدس به سوی خدا پدر هدایت می نمایند. آنان در میان گله او را به روح و راستی می ستایند (ر.ک یوحنا ۴:۲۴). نهایتاً، آنها در کلام و اصول عقیدتی تلاش کرده (ر.ک اول تیموتاوس ۵:۱۷) آنچه را که در شریعت خداوند خوانده و تفکر نموده اند باور داشته و آنچه را که باور دارند تعلیم می دهند، و به آنچه که تعلیم می دهند عمل می نمایند.

بلکه همچنین از تمام کسانی که هنوز جزو گله واحد مسیح نیستند مراقبت می کند. زیرا این اشخاص نیز در خداوند به وی سپرده شده اند. اسقف همانند پولس رسول مدیون همه انسانهاست، پس باید برای موعظه انجیل به همه آماده بوده (ر.ک رومیان ۱:۱۴-۱۵) و ایماندارانش برای فعالیت رسولی و رسالتی برانگیزاند. ایمانداران بایستی به نوبه خویش به اسقفشان اتکا نمایند، همان طور که کلیسا به مسیح و مسیح به پدر متکی است، تا آن که همه چیز در اتحاد هماهنگی یافته و برای جلال خدا به هم بیوندد (ر.ک دوم قرنتیان ۴:۱۵).

کشیشان در رابطه با مسیح،

اسقفان و همکارانشان و مسیحیان

۲۸ مسیحی که پدر او را تقدیس نمود و به جهان فرستاد (یوحنا ۱۰:۳۶)، از طریق رسولان، اسقفان را که جانشینان آنانند شریک تقدس و رسالت خود گردانده است. آنها نیز مدارج گوناگونی از مشارکت در این خدمت را به اشخاص مختلف در کلیسا شرعاً تفویض نموده اند. به این طریق خدمت کلیسایی که توسط خدا برقرار گشته است، به دست اشخاصی که از قدیم به اسقف، کشیش و شماس مسمی بوده اند، در سطوح مختلفی انجام می گیرد. کشیشان با اینکه از بالاترین درجه کهنانت برخوردار نبوده و در اعمال قدرتش بر اسقفان متکی می باشند، لیکن در ارزش و کیفیت کهنانت با اسقفان متحدند. آنان بواسطه قدرت راز مراتب روحانی و در سیرت مسیح کاهن اعظم و ابدی (عبرانیان ۵:۱-۱۰، ۲۴:۷، ۹:۱۱-۲۸)، برای موعظه انجیل، شبانی

همه کشیشان به خاطر دستگذاری و رسالت مشترکشان، در جمع برادری صمیمانه ای با یکدیگر پیوند دارند، که باید در یاری دوجانبه روحانی و مادی، شبانی و شخصی در جلسات و در مشارکت زندگی و کار و محبت، به طور طبیعی و آزادانه ای آشکار گردد.

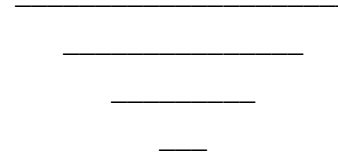
آنان باید به عنوان پدران در مسیح، از ایماندارانی که روحاً توسط تعمید و تعلیمشان آنان را مولود نموده اند (ر. ک اول قرن تیان ۴: ۱۵؛ اول پطرس ۱: ۲۳) مراقبت کنند. آنها بایستی در حالی که عمیقاً برای گله به صورت نمونه ای درآمده اند (اول پطرس ۵: ۳)، جامعه محلی خود را چنان رهبری و خدمت نمایند تا آن که به شایستگی همان اسمی را به خود بگیرد که قوم کل و واحد خدا به آن نامیده می شود، یعنی «کلیسای خدا» (ر. ک اول قرن تیان ۱: ۲؛ دوم قرن تیان ۱: ۱ و غیره). آنان باید به یاد داشته باشند که با زندگی روزانه و علایقشان در واقع چهره یک خدمت حقیقی کهنات و شبانی را به ایمانداران و بی ایمانان، کاتولیکها و غیر کاتولیکها نشان می دهند، و باید برای تمام انسانها به راستی و حیات شهادت داده و به عنوان شبانان نیکو همچنین به دنبال کسانی بروند (ر. ک لوقا ۱۵: ۴-۷) که در کلیسای کاتولیک تعمید گرفته اند، لیکن از رازها یا حتی از ایمان دور افتاده اند.

امروزه اتحاد نوع بشر در امور کشوری، اقتصادی و اجتماعی همچنان بیشتر و بیشتر می شود. بنابراین شدت لزوم اینکه کشیشان با یک رأی بودن در علاقمندی و تلاش، هرگونه تقسیمی را به رهبری اسقفان و پاپ اعظم از میان بردارند بیشتر احساس می شود، تا آن که کل نوع بشر در اتحاد خانواده خدا وارد شود.

کشیشان که همکاران با تدبیر مقام اسقفی و همچنین کمک دهندگان و عوامل قوم خدا می باشند، برای خدمت به آن خواننده شده اند. با اینکه کهنات شامل وظایف مختلفی است، لیکن آنان با اسقف خود یک کهنات واحد را تشکیل می دهند. کشیشان در حالی که با اسقف خود ارتباطی مبنی بر روحیه اعتماد و گذشت دارند، از جنبه خاصی او را در جماعات محلی ایمانداران حاضر ساخته و تا جایی که می توانند وظایف و امور وی را به عهده گرفته و آنها را با توجهی روزمره به مرحله اجرا درمی آورند. آنان تحت اقتدار اسقف، بخشی از گله ای را که به آنها سپرده شده است، تطهیر و سرپرستی نموده و بدان وسیله کلیسای جهانی را در منطقه خود قابل رؤیت ساخته و در بنای کل بدن مسیح یاوران نیرومندی می باشند (ر. ک افسسیان ۴: ۱۲). آنان بایستی در حالی که همواره در راه خیریت فرزندان خدا گام برمی دارند، برای صرف نیروی خود در امر شبانی کل دایره اسقفی و حتی کلیسا در کل تلاش نمایند.

کشیشان باید به خاطر این مشارکت در کهنات و رسالت اسقف، صمیمانه او را به چشم پدر خود بنگرند و با احترام از وی اطاعت نمایند. اسقف نیز بایستی کشیشان خود را که همکارانش می باشند، پسران و دوستان خود قلمداد کند، همچنان که مسیح شاگردانش را دیگر نه خادم، بلکه دوست خواند (ر. ک یوحنا ۱۵: ۱۵)، کشیشان همگی اعم از افراد وابسته به یک دایره اسقفی و راهبان، بواسطه مراتب روحانی و خدمت، با این جمع اسقفان در ارتباط بوده و مطابق با چیزی که بدان خواننده شده اند و فیضی که به آنان عطا گشته است، در راه خیریت کل کلیسا خدمت می کنند.

بگیرند. مقام شماسی با تأیید پاپ روم می تواند به مردان مسن تر، حتی آنانی که ازدواج کرده اند تفویض گردد. این مقام به مردان جوان شایسته نیز می تواند تفویض شود. اما قانون مجرد باید در مورد آنان همچنان دست نخورده باقی بماند.



شماسان

۲۹ در رده پایین تر سلسله مراتب روحانی، شماسان قرار دارند که «نه برای کشیشی، بلکه برای امر خدمتگزاری» دستگذاری شده اند. زیرا با تقویت شدن از فیض رازگونه، در مشارکت با اسقف و گروه کشیشانش، قوم خدا را در امر آیین عبادت، کلام و محبت خدمت می نمایند. شماس تا جایی که توسط مرجعی ذیصلاح به وی اختیار داده شده است، وظیفه دارد تعمید را رسماً برگزار نموده، محافظ و توزیع کننده قربانی مقدس باشد، در امور ازدواج یاری داده و آن را به نام کلیسا برکت دهد، نان و شراب مقدس را به بالین اشخاص در حال مرگ آورد، کتاب مقدس را برای ایمانداران قرائت کند، مردم را تعلیم و نصیحت نماید، پرستش و دعای ایمانداران را سرپرستی کند، رازها را برگزار نماید، و مراسم ترحیم و تدفین را انجام دهد. شماسان از آنجایی که سپرده شده اند تا وظایف مربوط به محبت و سرپرستی را انجام دهند، باید اندرز پلیکارپ قدیس را مد نظر داشته باشند: «رحیم و کوشا بوده و مطابق با حقیقت خداوندی که خادم همه گشت، گام بردارند».

این وظایف که برای زندگی کلیسا جداً لازم می باشند، در بسیاری از مناطق طبق نظام متداول کلیسای لاتین چندان آسان انجام نمی پذیرند. بنابراین مقام شماسی می تواند در آینده به عنوان یک درجه کامل و دائمی در سلسله مراتب روحانی باز برقرار شود. بر عهده گروههای مختلف اقلیمی اسقفان ذیصلاح است که در مورد مناسبت یا محل گزینش این شماسان برای توجه از جانها، با تأیید پاپ اعظم تصمیم